فرهنگ عاشورایی

جلد ۷۱

آخرین نماز سالار شهیدان

بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگ عاشورایی: شخصیت و زندگانی امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

قاسم خضری

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فرهنگ عاشورایی: شخصیت و زندگانی امام حسین (علیه السلام) جلد ۱۱

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ عاشورایی: شخصیت و زندگانی امام حسین (علیه السلام) / نویسنده قاسم خضری.

مشخصات نشر : قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.

شابک : ۸۴۰۰ ریال ۹۶۴-۸۸۱۸-۴۰-۱ :

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق.

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق.

موضوع : عاشورا

رده بندی کنگره : BP۴۱/۵/خ۶ف۴ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳۴

ص:۱

جلد یازدهم: آخرین نماز سالار شهیدان

اشاره

ص:۱

بسم الله الرحمن الرحیم

ص:۲

فرهنگ عاشورایی

(۱۱)

آخرین نماز سالار شهیدان

هو الشهید

مقدمه

«نَظَر النَّبیُّ (صلی الله علیه وآله) اِلَی الْحُسَینِ بن عَلی(علیهما السلام) و هُوَ مُقْبِلٌ، فَأَجْلَسَهُ فِی حِجْرِهِ و قَالَ : إنَّ لِقَتْلِ الْحُسَینِ حَرارَةً فی قُلُوبِ المُؤمِنینَ لا تَبْرُدُ اَبَداً.((۱))

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به حسین بن علی نگاه می کرد در حالی که به طرفش می آمد، او را گرفت و بر روی پای خود نشانید و فرمود: همانا در دل های مؤمنین حرارتی نسبت به شهادت امام حسین(علیه السلام) است که هیچگاه سرد نمی گردد.»

مسلمانان همواره علاقه فراوان و عشق وافری نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) سبط اکبر رسول خدا(صلی الله علیه وآله)داشته اند. این عشق و علاقه در زمان حیات آن حضرت، در دوران قیام ایشان و خصوصاً پس از شهادتش وجود داشته و هیچگاه از بین نرفته است.

این مهم سرّ مگویی ندارد.! بلکه آشکارا علت آن معامله با خداوند است. امام حسین (علیه السلام) به خاطر حفظ و احیای دین خداوند از مال، جان، خانواده و همه هستی خود گذشت و در این مسیر دعوت خدای متعال را اجابت کرد و در نتیجه نام، یاد و محبت او حیات جاودانه پیدا کرد و مصداق کریمه شریفه شد :

«یا اَیُّهَا الَّذینَ آمنُوا اسْتَجِیبُوا لِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذا دَعاکُمْ لِما یُحْییکُم» (انفال ۲۴).

در واقع آنچه حضرت سید الشهدا (علیه السلام) در احیای دین خداوند انجام داد، الگویی پایدار برای همه مسلمانان تا قیام قیامت است. قیام برای اقامه حق و زدودن باطل و جلوگیری از کژیها و بدعت ها در دین خداوند! و در این مسیر از شهادت استقبال کردن و هیچ ارزشی را از احیای کلمه اللّه بالاتر ندانستن و از انحراف در امت پیامبر جلوگیری کردن!

همانگونه که آن حضرت خود فرمود : «اِنّی لَمْ اَخْرُجْ اَشِراً وَ لابَطِراً وَلا مُفْسِداً وَلا ظالِماً وَ انّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْاِصْلاحِ فی اُمّهِ جَدّی (صلی الله علیه وآله) اُریدُ اَنْ اَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اَسیرُ بِسیرَهِ جَدّی وَ اَبی عَلیّ بْنِ اَبیطالِب(علیه السلام).

و همانگونه که همه پیامبران الهی با توکل بر خدای متعال در صدد انجامش بوده اند; اصلاح جوامع بشری از طریق دشمنی با ظالمان و دستگیری از مظلومان و نیز جلوگیری از فساد، تباهی و فحشاء، و تبلیغ حقیقت، عدالت، کرامت و فضیلت در بین تمامی انسانها !

و همانگونه که حضرت شُعیب پیامبر (علیه السلام) در تبیین رسالت و مأموریت خود گفت : «إنْ اُریدُ اِلاَّ إلْاْصْلاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ ما تَوْفیقی اِلاّ بِاللّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ اِلَیْهِ اُنِیبُ». (هود ۸۸)

مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام) افتخار دارد در راستای احیاء و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و نیز حراست از حریم قرآن مجید و سنّت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و همچنین بزرگداشت نام، یاد و زندگانی اهل بیت(علیهم السلام) اقدام به برگزاری همایش های فرهنگی و علمی نماید.

۱- مستدرک الوسایل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

از جمله این همایش ها، همایش امام حسین(علیه السلام) بود که در سال ۱۳۸۱ ه-.ش (۲۰۰۳ م) در تهران و در سال ۱۳۸۲ ه-. ش (۲۰۰۴ م) در دمشق برگزار گردید.

اندیشمندان و صاحبان علم و قلم مقالات فراوانی را برای غنای هرچه بیشتر این همایش به دبیرخانه آن ارسال کردند و نتیجه تلاش های علمی آن عزیزان انتشار پانزده جلد کتاب گردیده است که اکنون در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است.

بی شک بررسی و شناخت ابعاد گسترده قیام امام حسین(علیه السلام) با یک همایش و چند مقاله امکان پذیر نمی باشد. چه آنکه این فقط یک قیام نبود بلکه توانست یک فرهنگ ایجاد نماید، فرهنگ عمیقی که در زندگانی مسلمانان تأثیرگذار بوده و هست. فرهنگی که تا کنون نه تنها قدیمی و فرسوده نشده بلکه در طول تاریخ پس از عاشورا، همواره یک امید بوده، یک الگو، یک ارزش و یک فرهنگ، فرهنگ عاشورایی!

فرهنگ عاشورایی امام حسین(علیه السلام) بخوبی توانست فرهنگ آموزانی فهیم و با انگیزه تربیت نماید. عاشقانی که عمق قیام حضرتش را درک کردند و حاضر شدند عزیزترین سرمایه زندگانی خود را در این مسیر در طبق اخلاص گذارده و تقدیم نمایند و با آغوش باز به استقبال شهادت روند. الگوپذیری از فرهنگ عاشورایی حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) به اصحاب آن امام همام خلاصه نگردید، بلکه در سالها و قرنها بعد قیام ها و خروشهایی علیه حکام ظلم و جور را پدید آورد و منشأ بوجود آمدن صحنه هایی از آرمان خواهی، عشق و ایثار و شهادت طلبی در طول تاریخ شد.

فرهنگ عاشورایی، عاشوراها آفرید و کربلاها بوجود آورد و همواره پیروان اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) با عشق و علاقه و با ایمان راسخ، و با برپایی مجالس عزاداری، شعر و نوحه سرایی در زنده نگاه داشتن آن سخت کوشیدند و حتی در مسیر احیای نام و یاد و قیام عاشورایی امام حسین(علیه السلام) از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

آنچه در پیش روی دارید مجموعه مقالاتی در خصوص بررسی و تبیین گوشه ای از فرهنگ عاشورایی حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) می باشد که در چند مجلد تدوین شده است. از آنجا که مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام) نسبت به تهیه و انتشار کتابهای دینی و مورد نیاز پیروان اهل بیت(علیهم السلام) در اقصی نقاط عالم همت می گمارد لذا در هریک از مجموعه منشورات «فرهنگ عاشورایی» به طرح نقطه نظرات صاحب نظران در این خصوص می پردازد.

با تشکر از مؤلفین محترم، توفیق تمامی اهل فکر، قلم و مطالعه را در شناساندن و شناخت هرچه بیشتر فرهنگ عاشورایی از خداوند متعال خواستارم و برای همه پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در هر سرزمین که هستند آرزوی سلامت، موفقیت و رستگاری دارم.

محمد حسن تشیّع

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

آخرین نماز سالار شهیدان

اشاره

آخرین نماز سالار شهیدان

دکتر سید رضا موسوی

(وَ أنا أختَرتُکَ فَاستَمِع لِما یُوحیَ، انَّنِی أنَا اللّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدنِی و أقِمِ الْصَّلَوةَ لِذِکری).((۱)) ای موسی من ترا برگزیدم پس به آنچه وحی می شود گوش فرا ده. همانا منم اللّه، خدایی که معبودی شایسته پرستش جز من نیست پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من به پا دار.

برترین عبادت انسان

به اعتراف روان شناسان و جامعه شناسان، عشق پَرستش و مِیل به نیایِش یک نیاز فِطری و یکی از غَرایز عالی انسانی است. به گواهی مؤَرخان عِبادت در همه ملل و اقوام متمدّن جهان وجود داشته و هر یک به شِکلی این خواسته درونی را در زندگی پیاده کرده اند. حتّی گاهی سَراب را آب پنداشته اند. وجود مَعابِدِ گوناگون - که بهترین میراث فرهنگی هر کشور را تشکیل می دهد - شاهد گویا بر این واقعیّت بوده و هست.

متاسّفانه در جاهلیت قرن بیستم ما هنوز با بُت پرستی ستاره، گاو و حتی شیطان و یزید پرستان ناآگاه در شَرق و غَرب عالَم روبه رو هستیم. ولی قرآن کریم سر لوحه برنامهِ همه پیامبران را دعوت به پرستش مَعبود حقیقی یعنی آفریدگار هستی، و کنار زدن مَعبودهای ساختگی و بر حَذَر داشتن از کُرنِش در برابر بُت های بی جان و جاندار و مبارزه با اَربابان زَر و تَزویر می داند. آن جا که خداوند می فرماید:

(وَ لَقَد اَرسَلنا فِی کُلِّ اُمَّه رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا للّهَ وَ اجتَنِبُوا الطّاغُوتَ، فَمِنهُمْ مَنْ هَدَی اللَّهُ وَ مِنهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَیهِ الضَّلَالَهُ فَسیِرُوا فِی اْلَارضِ فَاْنْظُرُوا کَیفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ)((۲)) و هر آیینه در هر اُمّتی پیامبری را بر انگیختیم که می گفت : خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید، پس برخی از مردم از هدایت الهی بهره مند شدند و گروهی بر گمراهی استوار ماندند. پس زمین را بپیمایید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود!

نخستین پیام آخرین پیامبر الهی، حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله)نیز این بود: «قُولُوا لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ تُفْلِحُوا» بگویید معبودی شایسته پرستش غیر از الله(حقیقتی که همه کمالات بی نهایت را داراست) وجود ندارد ; تا رستگار شوید. چنان که امام علی(علیه السلام)فرمود: «فَبَعَثَ اللّهُ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ و الِهِ بِالحَقِّ لِیُخْرِجَ عِبادَهُ مِنْ عِبادَهِ اْلاَوثانِ اِلی عِبادَتِهِ وَ طاعَهِ الشَّیْطانِ اِلی طاعَتِهِ»;((۳)) خداوند حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله) را برانگیخت تا بندگانش را از پرستش بت ها، به بندگی خدا بکشاند و از فرمان برداری از شیطان، به اطاعت خدا فراخواند.

بنابراین یکی از اهداف مهمّ بِعثَت پیامبر اسلام(ص) دعوت به پرستش خالق یگانه و مُنعِم حَقیقی و مهربان بود. با این که در اَثَر ناآگاهی عدّه ای پرستش الهی را با کارهای ناشایستی همراه کرده اند و در اجرای مراسم عبادت برخی به دور خود می چرخیدند و عدّه ای خوراکی یا حیوان و انسان را می سوزاندند و حتّی گاهی در جاهلّیت صد نفر را با خشونت قربانی بت ها می کردند.

۱- سوره طه، آیات ۱۳ و ۱۴.

۲- سوره نحل، آیه ۳۹.

۳- صبحی الصالح، نهج البلاغه امام علی(علیه السلام)، ص ۲۰۴.

به روایت امام رضا(علیه السلام)پیامبر(صلی الله علیه وآله)می فرمودند: «اَلصَّلاةُ قُربانُ کُلِّ تَقِیٍّ((۱))؛ نماز وسیله ای نزدیکی به خدا برای هر پرهیزگار است» ان حضرت نماز را به عنوان نُخستین حکم عبادی و جامع ترین عِبادت اسلامی برای انسان به جای رَقص و آدم کشی جاهلی مراسم تشریفاتی سرگرم کننده سایر مَذاهب و آئین های بشری به جهان بشریت معرّفی نمود و فرمود: «صَلّوُا کَما رَأَیْتُمُونی اُصَلّی((۲))؛ همان گونه که من نماز می گزارم شما نماز گزارید.»و با روش سمعی و بَصَری این عبادت را جایگزین مراسم خُرافی معمول در میان سایر ملّت ها ساخت.

نماز نَماد دین و نَمود دینداری

ارزش و جایگاه نماز در جهان بینی توحیدی و دین فِطری اسلام، بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست، زیرا در قرآن کریم ۱۰۵ بار از نماز یاد شده و از مهم ترین سفارشات انبیاء، بارزترین عَمَل عبادی پیامبران و در روایات شیعه و سنّی به عنوان یکی از ارکان بنای اسلام معرّفی شد.

نماز اوّلین فریضه الهی است که در اسلام تَشریع و تا آخرین لحظه عمر در هر شرایطی(در دریا، زمین، هوا، میدان جنگ، و حتّی در حال بیماری)هر مکلّف باید به هر نحو ممکن این تکلیف الهی را انجام دهد. وُجوب نماز ضَروری دین و مُنکر آن مُرتَدّ و مُستحِقّ مَجازات سخت خواهد بود.

در سخنان بنیان گذار اسلام، نماز به ستون دین، پرچم و آرم اسلام، سیمای مکتب، نور و معراج مؤمن، وسیله سنجش اَعمال و کلید بهشت، تشبیه گردیده است. در بیان امام صادق(علیه السلام) نمازبرترین چیزها شناخته شده است.چنانکه فرمود : «ما أَعْلَمُ شَیئاً بَعْدَ الْمَعرِفَهِ أَفضَلَ مِنْ هذه الصّلوهِ ؛ بعد از شناختن خدا چیزی را برتر از نماز نمی شناسم.» در آخرین لحظات شهادت خود به خویشان فرمود: «اِنَّ شَفاعَتَنا لا تَنال مُستَخِفّا بِالصَّلوهِ.؛((۳)) همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سَبُک شمارد نمی رسد.»

پیامبر اسلام ترک عمدی نماز را کفر می داند و می فرماید: «مَن ترک الصلاه متعمداً فقد کفر»((۴))این کار بر خلاف گناهان دیگر، همراه با لذّت و شهوت نیست؛ بلکه ترک نماز سَهل انگاری است و بی اعتنایی به نماز نشانه ضعف ایمان و بی دینی به شُمار می آید.

به خاطر اهمیّت نماز بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرمود: «قُرّهَ عَینی فِی الصّلوهِ؛ نماز نور چشم من است.» وامام علی(علیه السلام) در حال نماز اولین شهید محراب شد. فاطمه(علیها السلام)بانوی نمونه اسلام هم چون پدر، آن قدر نماز خواند، که پاهای مبارکش ورَم نمود. نور دیدگانش حُسین و زَینب(علیها السلام)، در سخت ترین روزهای زندگیِ خویش در واقعه عاشورا نماز نافله را نیز به فراموشی نسپردند. همه پیشوایان دین از نوادگان او، تا مَهدی موعود(عج) همه عمر گرانبهای خویش را صرف اِحیا و اِقامه نماز به درگاه بی نیاز کرده اند.

حکمت های نماز در کلام حکیم ازلی

اشاره

روشن است که نماز به عنوان یک عبادت کامل و جامع و واجب اسلامی شامل مُقدِّمات، شرائط، اَقوال آموزنده دینی، اَفعال سازنده زندگی، اذکار و تَعقیبات مستحب، مبطلات و مکروهات و دارای احکام گسترده می باشد. به همان

۱- وسایل الشیعه، ج۳، باب ۱۲، از ابواب اعداد الفرائض ش ۱.

۲- قرطبی، الجامع لاحکام القران، ج۱، ص ۳۹.

۳- وسائل الشیعه، ج۳، باب ۱۲ از ابواب اعداد الفرائض ش۱-۲.

۴- همان ج۱، ابواب مقدمات العبادت باب ۲ ش۲.

نسبت حِکمَت ها و رازهای مهمّ و ارزنـده ای از سوی خدای حکیم در آن گنجانده شده است که در بیش از یکصد و بیست آیه قران کریم و بیست هزار حدیث آمده است، و در این مقاله مَجال طرح همه آنها نیست.

مسلماً تک تک ارکان و اجزای نماز نیز دارای حکمت های عرفانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که اگر بخواهیم به همه آنهـا بپردازیم مثنوی هفتـاد من کاغـذ می شود. از این رو بـا الهـام از سـخن مولا علی(علیه السلام): «ما لا یُدرِکُ کُلُّهُ لا یُترَکُ کُلُّهُ» تنها به فلسفه و رازهای کلّی نماز به درگاه بی نیاز در کلام محکم حکیم ازلی به شرح آن اشاره، و همین جا با پوزش از قرآنیان آگاه با حافظ عارف هم نوا می شویم:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند *** نکته ها هست، ولی مَحرم اسرار کجاست

۱- یاد خدا و احیای اصالت انسانی

چنـانکه می دانیم نمـاز با توجه و خشوع و حضور قلب نمونه بارزی از ذکر قلبی و زبانی است که مسـلمانان در اوقات پنجگانه نمـاز به عنوان یـک وظیفه دینی بـا آن روبرو می شونـد. و قرآن کریم می فرمایـد: (اِنَّنی اَنَـا اللّهُ لا اله اَنَا فَاْعبُـدنِی و اَقِمِ الصَّلَوةَ لِذِکریِ)((۱))همانا من الله هستم معبودی جز من نیست. پس مرا پرستش کن، و نماز را برای یادآوری من برپا دار!

خداوند در این آیه فلسفه اصلی نماز را ذکر یاد کرده است، که در فرهنگ اسلام و قران ذِکْر الله، ذکر اَسماء الله، ذکر الاء الله، ذکر ایّام الله، و ذکر اولیاء الله بکار رفته است. ذکر در لغت یاد آوری معنایی به زبان یا قلب است، و منظور از ذکر حضور خدا در دل یـا به زبـان آوردن نـام و صـفات پروردگـار جهان است. چنان که قرآن می فرمایـد: (یا ایُّها الَّذینَ اَمَنوا اذْکُرُوا اللّهَ ذِکراً کَثیراً)((۲))(واذْکُرُوا اللّهَ کـثیراً لعلَّکمْ تُفلِحونَ)((۳)) پیامبر اسـلام(ص)نیز فرمود: «اِنَّما فُرِضَـتِ الصَّلوةُ و اُمِرَ بِالْحَـجِّ و اُشـعِرَتِ الْمناسکُ لِاِقامَهِ ذکرِ اللهِ؛ همانا نماز واجب شـده و برای حجّ دسـتور رسـیده و به مراسم عبادی آگاهی داده شده تا یاد خدا در میان خلق پایدار ماند.»

بنابراین در فرهنگ اسـلامی، یاد خدا بهترین سـرمایه زندگی آدمی است که روح انسان تشـنه محبّت و اُنس با خالق حَقیقی را سیراب، و تغـذیه و پیوند روح آدمی را با روح هستی بخش مسـتحکم می نماید. بشـر را از خود فراموشـی و از خود باختگی و سرگردانی نجـات می دهـد. بـه همیـن دلیـل در قرآن و روایـات، موانـع یـاد خـدا و اَسـباب غفلـت و نِسـیان، لهـو(سـرگرمی)، اِعراض(روگردانی) که خطرناک ترین چهره فراموشی خداست به مسلمانان گوشزد شده تا از ان برحذر باشند.

چرا که فراموشـی خـدا همـان بیگـانگی از خـود حقیقی، و وابسـتگی به خودِ طـبیعی است. بی تفـاوتی هـا، هرزه گری هـا، بی دادگری ها، و پوچ گرائی ها، و لااُبالی گری ها را به ارمغان می آورد. چه اگر انسان بر سـر سفره عالَم نشست ونمک خورد و نمکدان شـکست و ولیِ نعمت خود را نادیده گرفت، تیشه به ریشه خود می زند و سند بیچارگی خود را امضا می نماید . و به عذاب الهی گرفتار می شود: (و لا تَکونُوا کَالَّذینَ نَسُوا اللّهَ فَأَنسَیهُمْ أَنفُسَهُمْ)((۴))

اگر کسی به بیچارگی غفلت و بی خبری از خود، و فراموشی پیوند با خدای جهان دچار شود; از افتخار انسانیّت محروم، و به مرز حیوانیّت تنزُّل مینماید. چنانکه قرآن می فرماید : (لَهم قُلُوبُ لا یَفْقَهونَ بِهَا و لَهم أَعیُنٌ لایُبصِرونَ بِها لهم أَذَانٌ لا یَسمَعونَ بها اُولئکَ کَالْاَنعامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ اُولئکَ هُمُ الْغافِلونَ)((۵)) ایشان دل دارند و با ان دین

۱- سوره طه ، آیه ۱۵.

۲- سوره احزاب، آیه ۴۱.

۳- سوره جمعه، آیه ۱۰.

۴- سوره حشر، آیه ۱۹.

۵- سوره اعراف، آیه ۱۷۸.

را عمیق نمی فهمند و دیدگانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. این گروه چون چهارپایانند، بلکه گمراه ترند و اینان همان غافلان و بی خبرانند.»

در این باره چه زیبا نوشته اند، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای «دام ظله» : «دین ضمن آنکه هدف و جهت و راه و وسیله را مشخص می کند، توش و توان لازم برای پیمودن راه را نیز به انسان می بخشد و مهم ترین کوله بار راهپیمایان این راه توشه ی «یاد خدا»است. روحیه طلب و امید و اطمینان که بالهای نیرومند برای پروازند، فراورده و بهره یاد خدا می باشد.

یاد خدا از طرفی هدف را که همانا پیوستن به او-یعنی به بی نهایت خوبی و کمال-است، همواره در مدّ نظر قرار می دهد و مانع از گم کردن جهت گیری ها می شود و راهپیما را درباره راه و وسیله، حسّاس و هوشیار می دارد. از طرفی بدو قوّت قلب و نشاط و اطمینان می بخشد و او را از سرخوردگی و فریفتگی به پدیدهای مشغول ساز یا بیم از ناهنجاری ها و ناهمواری ها محافظت می کند.

جامعه اسلامی و هر گروه از مسلمانان در صورتی می تواند در راهی که اسلام ارائه داده و همه پیامبران به آن دعوت کرده اند به استواری، بی توقف و برگشت قدم بردارد، که خدا را فراموش نکند!»((۱))

۲ – پیروزی بر مشکلات و شکیبائی

بدون تردید زندگی انسان در هر زمان دارای فراز و نشیب ، و یا اقبال و اِدبار است و هر شخصی با حوادث ناخوشایند و مشکلات زندگی روبه رو می شود. فردی موفق خواهد بود، که با آغوش باز در برابر این ناملایمات، خود را نبازد و با آنها دست و پنجه نرم کند که گفته اند:

اندر بلای سخت پدید آید *** فرّ و بزرگواری و سالاری

برای چیرگی بر مشکلات و ناگواری ها دو پایه اساسی لازم است، یکی درونی و آن ورزیدگی خاصّ انسان در مقابله با سختی ها و ناکامی ها است، و دیگر برونی که داشتن تکیه گاه نیرومندی است که بتواند هر آن از او مدد گیرد و به کمک او بر مشکلات فایق آید.

به خاطر همین است که قرآن می فرماید: (و اْستَعینُوا بِالصَّبرِ و الصَّلوهِ، و اِنَّها لَکَبیرَهٌ اِلاّ علی الخاشِعینَ)((۲))از روزه و نماز کمک گیرید((۳)) همانا نماز جز برای خاشعان گران است، که خداوند منّان در آیه شریفه به انسان مؤمن آموزش می دهد: با گرفتن روزه و تَرک مُبطلات آن، روحیه مقاومت را در برابر ناملایمات در خود تقویت نماید، و به وسیله نماز با برقراری ارتباط با قدرت لایزال الهی و استمداد از خدای مهربان روحیّه خود را تقویت و به حلّ مشکلات همّت نماید.

به خاطر همین است که در روایات توصیه شده است: به هنگام هجوم هَمّ و غم و مشکلات وضو بگیرید و به مسجد بروید، و

نماز بخوانید و دعا کنید. به نقل امام علی(علیه السلام)پیامبر(صلی الله علیه وآله) هر گاه که غم و اندوهی به او روی می اورد می فرمود: «أَرِحْنا یا بَلال، ای بلال با أذان و اعلام نماز، ما را آسوده نما.»((۴))

بدون شک توجّه به نماز و راز و نیاز به درگاه بی نیاز، و برقراری ارتباط با خدا به عنوان تکیه گاه مطمئّنی برای جذب امدادهای غَیبی، نیروی معنوی تازه ای در انسان ایجاد و او را برای پایداری در برابر ناهمواری ها آماده می سازد.

۱- سیّد علی خامنه ای، از ژرفای نماز، ص۹-۸.

۲- سوره بقره آیه ۴۵.

۳- بر اساس روایت امام صادق (علیه السلام) در فروع کافی «ج ۴، ص ۶۳، خ ۷»تأویل صبر در آیه شریفه مزبور (صوم) می باشد از اینرو لفظ (صبر) در ایه مذکور به مفهوم مؤوّل آن (روزه)ترجمه گردیده است.رک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۵۳، ذیل تفسیر آیه مذکور و ترجمه تفسیر المیزان، از محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۴- ملا محسن فیض، محجه البیضاء ، ج ۱، ص ۳۷۷.

و استعانت از صبر و صلاه برای تحمل مشکلات و پیروزی بر امیال و شهوات و هوس های نفسانی برای کسانی ممکن است که اعتقاد به مبدأ و معاد و کیفر و پاداش اخروی دارند و گرنه افراد بی ایمان در کشاکش زندگی بی پناه خواهند ماند.

به همین جهت است که در پایان آیه می فرماید: این کار جز برای کسانی که در برابر خداوند، با توجه کامل به نماز می ایستند، مشکل و سنگین است. به همین جهت در اسلام، نمازهای مستحبی و نافله فراوانی جهت برآوردن نیازها و رفع گرفتاری های مادّی و معنوی زندگی معرفی شده، که شرط اصلی برآوردن حاجات، اعتقاد و ایمان کامل متقاضی و مشروع و مصلحت آمیز بودن حاجات، برای مؤمن است.

یاد آوری

تأثیر انکارناپذیر نماز در رفع نگرانی ها و دلهره های روانی واقعیتی است که مورد تأیید صاحب نظران قرار گرفته است، که به نمونه هائی از آن اشاره می شود. دکتر آلِکسیس کارِل می نویسد: نماز به آدمی نیرویی برای تحمّل غم ها و مصائب می بخشد، انسان را امیدوار می سازد و قدرت ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث می دهد.((۱))

گاندی پیشوای مصلح هند در جریان مبارزه با استعمار و تحمّل رنج ها با کمک نماز، تجدید نیرو کرده و می گفت: اگر کمک نماز نبود، خیلی پیش از این باید دیوانه می شدم!

دیل کارِنگی می نویسد: هر وقت همه توان خود را در برابر ناملایمات به کار بردیم. و تمام راه حل ها را آزمودیم و نتیجه دلخواه به دستمان نیامد، در حالی که امواج سهمگین یأس و نومیدی قلب و روحمان را می آزارد. آنگاه دست نیاز به نماز و به سوی خدا دراز کرده و از او یاری می خواهیم. راستی چرا ما قبل از این که دچار ناامیدی بشویم، چنین کاری نمی کنیم و چرا هر روز با خواندن نماز و نیایش به درگاه خدا از او یاری نمی خواهیم؟!

ژاک دِمیش قهرمان سنگین وزن بُکس جهان می گوید: هرشب قبل ازاینکه به بستر برود حتماً نماز و دعامی خواند. ((۲))

گر چه برخی از اشخاص برای برطرف کردن مشکلات یا فرار از این مصائب و سختی ها خود را به خواندن کتاب داستان مشغول می کنند، یا به پارک و مسافرت می روند و یا خود را به بازی های ساده و تفریحات سالم سرگرم می سازند. و یا با کسی که به حرف های او گوش می دهد، درد دل می کنند، تا از فشارهای روانی آنان کاسته شود و ای چه بسا که از دیدگاه روانشناسان این فعالیت ها در کاهش اضطراب مؤثر و این کارها نتیجه مثبت داشته باشد. امّا مردان خدا از ناملایمات دنیا به اسباب دنیوی روی نمی آورند. بلکه به خدا، به نماز، نیایش با او رو می کنند که کارسازتر است.

۳ – پیشگیری از گناه و تباهی

در میان هر ملت برای پیشگیری از تخلّفات و کجروی ها و مفاسد اجتماعی و جنایت ها و جرایم فردی راهی پیش بینی شده

است، که نیاز به هزینه سنگینی دارد. ولی اسلام علاوه بر ارشاد و اجرای قوانین کیفری: حدود، تعزیرات، قِصاص و دِیات با وضع عباداتی نظیر روزه و نماز و یادآوری خدا و معاد انسان فراموش کار را از پیروی هوس ها و ارتکاب گناه باز می دارد. قرآن کریم انگیزه اصلی عبادات امّت اسلامی را با تعبیر مکررّ (لَعَلَّکُم تَتَّقُونَ)رسیدن به تقوا و روحیه خدامداری در زندگی و دوری از گناه معرّفی می نماید.

۱- علاء الدین، حجازی، فرهنگ نماز، ص ۴۴.

۲- سید محمد، حسینی نقش عبادت در سازندگی انسان، ص ۲۸.

اسلام می کوشد تا در سایه تقویت ایمان و تقوا، عوامل اصلی وادارنده به گناه و تخلف یعنی: شهوت، غَضب، غرائز، امیال و احساسات و عواطف تعدیل نشده آدمی را از راه تعلیم، تلقین، تذکُّر کنترل نماید. تجربه نشان می دهد که نمازهای یومیّه، یکی از بهترین وسائل پیشگیری از گناه و تأمین أمنیت به حساب می آید. چنان که در قرآن مجید می خوانیم (و أَقِمِ الصَّلوةَ انّ الصلاه تَنْهَی عَنِ الفَحشاءِ و المُنکَرِ و لَذِکرُ اللهِ اَکبَرُ و اللهُ یَعلَمُ مَا تَصنَعُون)((۱)) ونماز را به پا دار، زیرا نماز از فحشا(گناهان بزرگ و پنهانیِ ناشی از شهوت) و منکر (گناهان بزرگ آشکار ناشی از غضب) باز می دارد، البتّه یاد خدا بزرگ تر از نماز است، و خدا به آن چه می کنید داناست.

آری نماز گزار واقعی که به نماز می ایستد و با تکبیر مکررّ خود خدا را از هر چه هست برتر و بالاتر می شمارد و به یاد نعمت های فراوان او سپاس و حمد او می کند و او را به رحمان و رحیم بودن می ستاید، او را مالک روز جزا معرّفی می کند، ضمن اعتراف به بندگی تنها از اویاری می جوید، پیمودن راه راست را از او طلب می کند، از راه و روش مغضوبین و گمراهان، به او پناه می برد، برای خدا به رُکوع خَم، و برای سجده در پیشگاه او به خاک می افتد، غرق در عظمت او می شود، قهراً در اثر قرائتِ این أذکار آموزنده انگیزه انحراف و گناه در چنین شخصی، به نابودی کشانده می شود.

بدون شک، از این راز و نیاز، در روح و قلب چنین انسانی از راه تلقین و تکرار و تمرین، جنبشی به سوی حقّ و جهشی به سوی پاکی ها ایجاد می شود و این امواج معنویّت که به برکت گفتگوی رویاروی با خدا حاضر و ناظر بر اعمال عِباد، پدید می آید، همانند سدّ پولادینی، مانع وقوع گناه در جامعه می شود. با توجه به ممنوعیّت استفاده از مکان و لباس غصبی و هر گونه معصیت و تخلّف در حال نماز، ترجیحاً از عادت زشت تجاوز به حقوق دیگران دست می کشد.

بدیهی است که هر چه نماز از شرایط کمال و روح عبادت (یاد خدا)که در آیه از خود نماز برتر شناخته شده، بیش تر برخوردار باشد، اثربیش تری در پیشگیری از گناه خواهد داشت. گاه در فردی نماز نهی کلیّ و جامع و در فرد دیگری نهی جزئی و محدود، از فحشاءو منکر می نماید. ولی ممکن نیست، کسی نماز بخواند و هیچ گونه اثری در او نبخشد. چه اگر افراد نمازگزار را احیاناً گنه کار می یابیم، اگر نماز نخوانند، مسلَّماً آلوده تر خواهند شد. چون نماز رابطه شخص با خداست و هر قَدَر که این اعتماد عمیق تر و محکم تر باشد، شخص به خدا نزدیک تر و از گناه دورتر می گردد.

۴ – فَلاح یا رستگاری و آزادگی

مهم ترین آرمان های بشر آزادگی است، آزاد مردان جهان زندگی را به خاطر آزادی دوست دارند. از این رو مولا علی(علیه السلام)نیز، فرمود: «لا تَکُنْ عَبدَ غَیْرِکَ قَد جَعَلَکَ اللهُ حرّاً ;((۲)) بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است.» در بینش قرآن تنها راه دست یابی بشر به آزادگی واقعی، ایمان و توجّه کامل به خدا در هنگام نماز است و می فرماید: (قدْ اَفلَحَ المُؤمِنونَ الَّذینَ همْ فِی صَلاتِهِم خاشِعونَ)((۳)) به راستی که مؤمنان رستگارند، آنانکه در نمازشان خشوع میورزند.

در این آیه اوّلین نشانه مؤمنان اقامه نماز با خشوع و توجه کامل به خدا معرفی شده است، زیرا خشوع به معنای حالت فروتنی و

ادب روحی و جسمی در برابر بزرگی است که شخص، مجذوب جلال و شکوه خدا شود. در حال نماز

۱- سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲- نهج البلاغه، الصالح، صبحی، نامه ۳۱، ص ۴۰۱، ابن عبدربَه، عقد الفرید، ج ۳، ص ۱۵۵،

۳- سوره مؤمنون، آیات ۲و۱.

خود را ماننـد ذرّة ای بی مقدار در برابر حقیقت بی نهایت و قطره ای در برابر اقیانوس بیکران رحمت و قدرت و حکمت پروردگار داند. به گونه ای که همه چیز فراموش کند و چنان از خود غافل بماند که جز خدا را نبیند، چنین انسانی می تواند به فلاح برسد.

در فرهنگ اسلام به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و کامیابی اطلاق شده است; فَلاح را نتیجه یاد فراوان خدا قرار داده، و فرمود: (و اذْکُروا اللهَ کَثیراً لَعَلَّکُم تُفلِحوُن)((۱)) در منطق قرآن پرستش و کرنش نسبت به هر کس و هر چیز، جز برای خدا، از خود بیگانه شدن، وابستگی، و دل سپردن به هر چیز، بندگی و اسارت واقعی به حساب می آید. به همین دلیل، عبادت جز برای خدا حرام و ممنوع است، و تنها در پرتو ستایش و پرستش خداست که انسان با هدایت و امدادهای غیبی الهی، یارای مقاومت در برابر قدرت های اهریمنی و آزادی از هر نوع بندگی، دست می یابد.

۵ – اغتنام فرصت یا بهره وری

(و ابتغِ فِیما أَتَیکَ اللهُ الدارَ الأخرهَ و لا تَنْسَ نَصیبَکَ منَ الدُّنیا و أحسَنَ کما أَحسِنْ اللهُ اِلیکَ)((۲)) و در آنچه خدا به تو داد سرای دیگر را بجوی(جستجو کن)و بهره ات را از دنیا فراموش مکن،وهمان گونه که خدادر حقّ تو نیکی کرد نیکی کن. مخاطب مستقیم این آیه پول پرستِ خودخواهِ بنی اسرائیل، یعنی قارون است که در کنار فرعون مظهر زور و سامری، سمبُل تزویر و فریب، به عنوان زر پرستی، با حضرت موسی مقابله می کردند.

در روایات ما بر نماز اوّل وقت تأکید شده، چنان که پیامبر(صلی الله علیه وآله)در پاسخ این سؤال که: برترین اعمال چیست؟ فرمود: «الصَّلوهُ لِاَوَّلِ وَقتِها((۳))» علی(علیه السلام) نیز درنامه ای به محمد بن ابی بکر فرماندار مصر نوشت: «اِرتَقِب وقتَ الصَّلوهِ فَصَلِّها لِوَقتِها و لا تَعْجَل قَبلَهُ و لا تُؤَخِّرْها لِشُغل; ((۴)) مراقب اوقات تعیین شده نمازهایت باش و در وقت فضیلت و مقرّر آن را به جای آور. به خاطر بی کاری پیش از وقت آن شتاب مکن و برای کاری انجام آن را از وقتش تأخیر مینداز.»

امام صادق(علیه السلام) نیز می فرماید: «اِمتَحِنُوا شیعَتَنا عِندَ مَواقیتِ الصَّلاهِ کیفَ مُحافَظَتُهُ علیها((۵)); پیروان ما را با نماز اول وقت بیازمایید که چگونه بر آن محافظت می نماییم.»حضرت رضا(علیه السلام) نیز به ابراهیم بن موسی حتی در بین راه فرمود: «غَفَرَ اللهُ لَکَ لا تُؤَخِّرونَ صلاهً عن اوَّلِ وقتها الی آخرِ وقتها من غیرِ علَّه.علیکَ ابداً بِاوَّلِ الوقتِ ((۶)); خدا ترا بیامرزد هیچ نمازی را بدون علت از اول وقتش به تأخیر مینداز، بر تو باد به نماز

اول وقت .»

حتی در روایتی از نماز اول وقت تعبیر به رضوانُ اللهِ و نماز آخر وقت تعبیر به غفرانُ اللهِ(عفوُ الله) شده است . این همه تاکید بر أدای نماز در اوّلین فرصت و خود داری از تأخیر وقت نماز همان موضوع بهره وری است.

استفاده صحیح از وقت و عمر برای زندگی بهتر و متعالی تر است که در اخلاق اسلامی از آن به «اغتنامِ فرصَت» تعبیر شده

است. اوّلین درس نماز این است و هدر دادن سرمایه گرانبهای عمر و فرصت های طلایی ای که چون ابر به طور نامحسوس، در گذر است.

۱- سوره انفال، آیه ۴۵.

۲- سوره قصص، آیه ۷۷.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۳.

۴- بحارالانوار، ج ۸۳، ص۱۵.

۵- همان، ص ۴۴.

۶- همان، ص ۲۱.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «اَلفُرصَهُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحاب فَانتَهِزُوا فُرَصَ الخیرِ ((۱))» از دست دادن فرصت خسارت بزرگی است که به هیچ وجه قابل جبران نیست و اگر عاقلانه از آنها بهره برداری نشود، جز پشیمانی و اندوه چیزی عاید انسان در دنیا و آخرت نخواهد شد. چنان که حضرت علی (علیه السلام)می فرماید: «اِذا اَمکَنتِ الفُرصهُ فَانتَهِزوا فَاِنَّ اِضاعَهَ الفُرصَهِ غُصَّهٌ ((۲))؛ وقتی فرصتی برایت پیش آید. آن را غنیمت شمار چرا، که از دست دادن فرصت ها باعث غصّه و اندوه می شود.» سعدی با الهام از این احادیث می گوید:

بودم جوان که گفت مرا پیرِ اُستاد *** فرصت غنیمت است، نباید ز دست داد

و نیز مولانا می فرماید:

مافاتَ مَضی،وماسَیَأتیکَ فَأَینَ *** قُم فَاغتَنِمِ الفُرصَهَ بینَ العَدَمَینِ

که سعدی سروده است:

سعدیا دی رفت و فردا هم چنان موجود نیست *** در میان این و آن فرصت شمار امروز را

پیامبر(صلی الله علیه وآله) در وصایای خویش به اباذر فرمود: «یا اباذرُ اِغتَنِم خَمساً قبلَ خمس: شبابکَ قبلَ هِرَمِکَ و صِحَّتَکَ قبلَ سُقمِکَ و غِناکَ قبلَ فقرِکَ و فَراغَکَ قبلَ شغلِکَ و حَیاتَکَ قبلَ مَوتِکَ((۳))؛ ای ابوذر پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان؛ جوانیترا پیش از پیری، سلامتیت را قبل از بیماری، دارائیت را پیش از تنگ دستی، فراغت و بیکاری، پیش از گرفتاری، زندگی ات را پیش از مرگ.»

به این ترتیب پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) پنج نعمت بزرگ را هشدار می دهد، که باید از این موهبت های الهی، به موقع بهره برداری شود تا از دست نرود و در راه پیشرفت خود و جامعه از اینها استفاده گردد ، مبادا که با سوء استفاده از اعتقاد به توکُّل و تقدیر الهی، از تلاش و کوشش به خاطر کسالت و تنبلی و یأس و نومیدی، که مهم ترین عامل عدم استفاده از فرصتها است، برای تأمین آینده باز ایستیم، و از ثروت عمر و جوانی خود بهره نگیریم. حتی در روایات ما تسویفَ از اِلقائات شیطانی، یعنی کار امروز به فردا افکندن مورد نکوهش قرار گرفته است. به فرموده قرآن: (و لا تَیأَسُوا مِن رَوحِ اللهِ)((۴))و(لا تَقنَطوُا مِن رَحمَهِ اللهِ)((۵)) از این رو مسلمانان را نشاید کار امروز به فردا افکند از خود مأیوس شود.بلکه در سایه نمازهای پنجگانه روح امید را در خود بیافزائید و بکار مفید روزمره خود با استفاده از فرصت ها بپردازیم. که سعدی شیرین سخن می گوید:

جوانا ره طاعت امروز گیر *** که فردا جوانی نیاید ز پیر

فلسفه نماز از دیدگاه برگزیدگان

پیامبر اسلام(ص) که نخستین نمازگزار کامل بود، در سفر معنوی معراج، حقیقت و روح نماز به او ارائه شده ، وقتی از اسرار و

حکمت های نماز از حضرتش می پرسند با چهره باز بالبداهه بیست و شش راز و رمز وجوب نماز را برای نمازگزار می فرماید:

«الصَّلوهُ مِنْ شرایعِ الدّینِ، و فیها مَرضاتُ الرَّبِّ، و هیَ منهاجُ الْانبیاءِ، و لِلمُصلّی حُبُّ الملائکَهِ، و هدیً، وایمانٌ و نُورُ الْمَعرِفه، و بَرَکهٌ فی الّرزقِ، و راحَهٌ لِلبَدَنِ، و کراههُ الشَّیطانِ، و سَلاحٌ علی الکافرِ، و اجابهٌ لِلدُّعا، و قَبولٌ لِلَاعمالِ و زادُ المُؤمِنِ منَ الدُّنیا الی الاخرَهِ، و شفیعٌ بینهُ و بینَ المَلِکِ المَوتِ، و اُنسٌ فی القبرِ، و فراشٌ تحتَ جنبهِ، و جوابٌ لِمنکَر و نکیر، و تکونُ صلاهُ العبدِ عندَ المحشرِ تاجاً علی رأسهِ، و نُوراًعلی بدنهِ، و ستراً بینهُ، و بینَ النّار، و

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ج ۲، ص ۴۷۶.

۲- آقا جمال، خوانساری، شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳- طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۵۰۵، و الحدیث۲، ص ۳۶۸.

۴- سوره یوسف، آیه ۸۷.

۵- سوره زمر، آیه ۵۳.

جوازاً علی الصِّراطِ، و مفتاحاًلِلجنَّهِ، و مُهُوراً لِلحُور العینِ، و ثمناً لِلجنَّهِ بالصَّلوهِ یبلغُ العبدُ الی الدَّرجهِ العُلی، لِاَنَّ الصَّلوهَ تسبیحٌ، و تهلیلٌ، و تحمیدٌ، و تکبیرٌ، و تمجیدٌ، و تقدیسٌ، و قولٌ و دعوهٌ((۱)) ;

نماز از احکام دین است که این اسرار را در بر دارد: ۱-رضا و خرسندی پروردگار ۲-راه پیامبران به سوی خدا۳-محبوبیت نزد فرشتگان ۴-وسیله رهنمایی به حقّ ۵-سرمایه ایمان ۶-روشنایی برای شناخت خدا ۷-افزایش روزی ۸-آسایش بدن ۹-ناخرسندی و آزار شیطان ۱۰-سلاح برای نبرد با کافران۱۱-اجابت دعا و نیایش ۱۲-پذیرش اعمال عبادی ۱۳-توشه مؤمن از دنیا برای آخرت ۱۴-واسطه میان نمازگزار و فرشته مرگ ۱۵-همدم عالم قبر ۱۶-فرش بستر آرامگاه ۱۷-پاسخ بازجویی نکیر و منکر ۱۸-تاج افتخار بر سر ۱۹-نورانیت چهره ۲۰-پوشاک بدن ۲۱-مانع میان بنده و آتش جهنم ۲۲-پروانه گذر از صراط ۲۳-کلید ورود به بهشت ۲۴-کابین سیه چشمانِ بهشتی ۲۵-بهای بهشت موعود ۲۶-وسیله عروج به مرتبه بالای بهشتی.» زیرا نماز مجموعه ای از تسبیح(سبحانَ اللهِ گفتن)و تهلیل (لا الهَ اِلَّا اللهُ گفتن)و تمجید و بزرگ داشت و تقدیس و تنزیه خدا از عیب و کاستی است، و گفتار حق و فراخوانی بسوی درستی و خوبی ها است.»

حضرت علی(علیه السلام) نیز در سخنانی که پیرامون حکمت های احکام فرموده اند، برجسته ترین فلسفه نماز را کِبر زُدایی می داند، و می فرماید: «وَالصَّلوهَ تَنْزِیْهاً عَنِ الْکِبْرِ((۲))» خداوند حکیم نماز را برای پاک سازی انسان از بیماری کبر و خود برتر بینی مقرّر فرموده است.

حضرت علی بن موسی الرضا(علیها السلام) در بیان علّت وجوب نماز در اسلام می فرماید: «اِنَّ عِلَّهَ الصَّلوهِ أَنَّها اِقرارٌ بالرُّبوبیهِ للهِ عزَّوجلَّ و خلعُ الاَنـدادِ و قیامٌ بینَ یـدیِ الجبَّارِ جلَّ جلالهُ بالـذُّلِّ و الْمسکنهِ و الخُضُوعِ و الاِعترافِ و الطَّلَبِ لِلاقالَهِ منْ سالفِ الذُّنوبِ و وضعِ الوجهِ علی الارضِ کلَّ یوم اِعظاماًعزَّ و جلَّ و اَن یَکونَ ذاکراً غیرَ ناس و لا بطر ویکونَ خاشعاً متذَّلِلاً راغباً طالباً لِلزَّیادهِ فِی الدّین و الدُّنیا مع ما فیهِ منَ الایجابِ و الْمُداوَمَهِ علی ذکرِ اللهِ عزَّوجلَّ باللَّیلِ و النَّهارِ لعلَّا ینسیَ العبدُ سیِّدهُ و مدَبِّرهُ و خالِقَهُ فیبطِرَ و یَطغی و یکونَ فی ذکرهِ لِرَبِّهِ و قیامهِ بینَ یدیهِ زجراً لهُ عن المَعاصی و ما نِعالَهُ عنْ أنواعِ الفَسادِ ;

اما علّت این که نماز بر مردم واجب شد این است که نماز گزار به پروردگاری خداوند بزرگ و شکست ناپذیر اعتراف می کند، هر گونه شرکی را از ساحت قدس او رها و دور می سازد و در پیشگاه خداوند جبّار و با شکوه با حالت خواری و بی چارگی و فروتنی و اقرار به زبونی خویش می ایستد و چشم پوشی از گناهان گذشته خویش را از حضرت حقّ می خواهد، و هر روز صورت بر زمین می گذارد، تا خدای عزّوجل را تعظیم نماید، و همواره به یاد او باشد، و آنی او را فراموش نکند تا سرکشی بنماید.

تا این که حالت دل شکستگی و خود کمی بینی و رغبت به او را از دست نداده، و خواستار افزایش دین و دنیای خود باشد. افزون بر اینها نماز پاسخ گویی به خدا و استمرار و ادامه یاد او در تمام شبانه روز است تا مگر بنده سرور و اداره کننده امور، و آفریدگار خود را فراموش نکند، که نتیجه فراموشی خدا ناسپاسی و گردنکشی است ولی یاد خدا و به نماز ایستادن در پیشگاه او بنده را از همه گناهان باز می دارد، و از هر گونه فساد و تباهی جلوگیری می کند.((۳))

۱- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱، ش ۵۶.

۲- نهج البلاغه، منجی صالح، حکمت ۲۵۵.

۳- حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۳،علامه مجلسی،بحارالانوار ، ج ۸۲.

نماز در اسلام اگر چه یک عبادت فردی و وسیله پیوند معنوی عبد با معبود واقعی است که هر مسلمان در هر شرایطی باید در اَدای این وظیفه شرعی تلاش نماید، بلکه باید در اِحیا و اِقامه این فریضه دینی در جامعه اسلامی همّت گمارد.

در قرآن کریم بیش از چهل بار از اِقامه نماز و به پاداشتن آن سخن به میان آمده: (أَقیمُوا الصَّلَوه)یازده بار، (أَقامُوا الصَّلوه) نُه بار، (أَقِمِ الصَّلَوه) پنج بار (یُقیمونَ الصَّلَوةَ)شش بار و... در زیارت نامه امامان(علیهم السلام)به ویژه حضرت سیّد الشُّهداء(علیه السلام) نیز می خوانیم: «أَشهدُ اَنَّکَ قد أَقَمتَ الصَّلوهَ...» و یکی از امتیازهای این بزرگان را اقامه نماز می دانیم.

حضرت ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) به فرموده امام چهارم، در تمام عمر ، شبانه روز هزار رکعت نماز خواند((۱)) بلکه در شب و روز عاشورا یعنی در سخت ترین شرایط، از اقامه نماز آن هم به جماعت کوتاهی نفرمود و حتی حکمت درخواست مهلت یک شبه از دشمن زبون را عشق به نماز معرفی و خطاب به برادرش ابوالفضل(علیه السلام) فرمود: «تَدْفَعُهُم عنَّا العَشِیَّهَ لَعَّلنا نُصَلّی لِربِّنا اَللَّیلهَ و ندعُوهُ و نستغفرهُ فَهُوَ یعلمُ أنّی قد کنتُ أُحِبُّ الصَّلوهَ لهُ و کثرهُ الدُّعاءِ و الاِستِغفارِ((۲))؛

آنها را امشب از جنگ باز دار، باشد که امشب را در پیشگاه پروردگارمان به نماز و نیایش و طلب آمرزش بایستیم، که خدا می داند من همواره نماز، دعا، و استغفار را دوست داشته ام.»

امام (علیه السلام) در این عبارات خود را عاشق نماز خوانده و این درسی است که نماز گزار واقعی نه تنها باید نمازخوان باشد، بلکه همیشه باید دوستدار نماز و مروّج فرهنگ نماز در جامعه انسانی باشد.

سنگ های دشمن دون از هر سو امام را احاطه کرده بود و از سوی دیگر تشنگی و داغ عزیزان بر او فشار می آورد و گریه و شیون زنان و کودکان دل سوخته حرم پیامبر دلش را می آزرد. همانند پدرش علی در لیلهُ الهریر و میدان نبرد صفّین در گیراگیر خون و آتش جنگ و در شرایط بحرانی و بسیار خطرناک با یاران خود به نماز جماعت ایستاد و با این نماز عارفانه و عاشقانه خویش از سرزمین گرم و سوزان نینوا به همگان پیام اقامه نماز در اوّلین وقت آن، آن هم به جماعت داد.

حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) در آن روز تاریخی و حماسه ساز، چنان نمازی خواند که هیچ کس پیش از او و بعد از او توفیق انجام چنین عبادت جامع و کاملی را نیافت.زیرا امام حسین(علیه السلام)در ظهر عاشورا تمام ابعاد، اسرار، افعال، و اقسام یک پرستش مخلصانه و نماز عاشقانه را در زیباترین و کامل ترین نوع آن در پیش دیدگان دوست و دشمن، به نمایش گذاشت.

نماز خاصّی که با خون دل، وضو گرفت و با تربت پاک کربلا تیمّم نمود و بامداد آن روز همه جلوه های پرستش اعمّ از عبادت ظاهری ، باطنی، بدنی ، قلبی، مادّی، معنوی، فردی و گروهی در آن نماز تبلور یافته بود.((۳))

پس از پایان نماز خوف اوّلین شهید راه نماز در جبهه کربلا، سعید بن عبد الله حنفی را در آغوش گرفت او از امام سوال کرد : اَوفیتُ آیا به عهدم وفا کردم؟ حضرت فرمود : أنتَ أَمامی فِی الْجنَّهِ؛ آری تو در بهشت پیش روی من هستی.»

به تعبیر اهـل معنـا دو سه ساعت دیگر، برای امام همام نماز دیگری پیش آمـد که: تکبیرهُ الاحرام، قیام، قرائت، رکوع، سـجود، تشهّد و سلام ویژه ای داشت، تکبیر آن را با فرو افتادن از ذوالجناح سر داد، و قیام را به هنگام هجوم دشمنِ

۱- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۳۱۱، ش ۱۷; ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۳، ص ۱۲۶; بحرانی، عوالم، ج ۱۷، ص ۶۱، ش ۱.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۳۰، طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۳۴، ابن اثیر، الکامل ج ۲، ص ۵۵۸.

۳- عزیزی، عباس ، نماز و عبادت امام حسین علیه السلام، ص۳۴.

دون به خیام حرم، رکوع آن زمانی بود که تیری به قلب مقدّسش اصابت کرد و مجبور شد حضرت قامت خم کند. تا آن را از پشت سر بیرون بیاورد!

و آخرین سجده خونین امام، بر پیشانی نبود، بلکه وقتی نیزه صالح بن وهب مزنی بر پهلوی آن حضرت اصابت کرد و امام (علیه السلام)گونه راست روی تربت گرم نهاد و این ذکر از سوز دل بر زبان داشت که: «بسمَ اللهِ و بِاللهِ و علی ملَّهِ رسولِ اللهِ، اِلهی رِضاً بِقَضائکَ تسلیماً لِأَمرکَ لاـ معبودَ سواکَ یا غیاثَ الْمُستَغیثینَ» و تشهّد و سلامش با خروج و عروج روح بلند ملکوتیش به شاخسار جنان همراه بود. ولی دیگر خود نتوانست سر از سجده بردارد و تا دشمن سر مقدّس آن حضرت را به اَوج سنان و نیزه بالا برد. که آن حضرت با تلاوت آیات سوره کهف به عنوان تعقیب نماز، دشمن را تهدید و عقوبت فرمود((۱)): چه خوب سروده است صغیر اصفهانی:

الحق نماز او به درِ بی نیاز کرد *** کز خون وضو گرفت و به مقتل نماز کرد

عشق از شه شهید بیاموز کان چه داشت *** از جان و دل به درگه جانان نیاز کرد

ساقی هر آنچه جام بلا دادش به دست *** دست از برای ساغر دیگر دراز کرد

گه در تنور گه به سنان شد سرش عجیب *** در راه عشق طیّ نشیب و فراز کرد

در دل«صغیر»را چه شرر بود کاین چنین *** جان ها کباب از سخن جان گداز کرد

مشروعیت و کیفیّت نماز خوْف

چنان که می دانیم به فرموده پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نمازهای پنج گانه شبانه روزی نخستین عملی است که بالا برده می شود و اوّلین عملی است که در قیامت از انسان سؤال می شود که اگر پذیرفته شود بقیه اعمال آدمی پذیرفته می شود وگرنه دیگر کارهای دینی مورد قبول درگاه الهی قرار نمی گیرد((۲)).

از نظر فقیهان با توجه به آیات وارده از جمله (فَأَقیمُوا الصَّلوهَ اِنَّ الصَّلوهَ کانت علی الْمؤمِنینَ کتاباً موقوتاً)((۳)) نماز را به پا دارید زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است. و نیز: (وَأْمُرْ أهلَکَ بالصَّلوهِ و اصطَبِر علیهَا)((۴)) ای پیامبر وابستگان را به نماز فرمان ده و بر انجام آن باجدیّت شکیبا باش. وجوب عینی نمازهای یومیّه بر همه مکلّفان، جز زنان در دوران عادت ماهیانه، در هر شرایط و با هر کیفیت ممکن، حتّی با اشاره پلک ها و ذکر قلبی تنها، ضروری دین شناخته شده است.

حتّی در میدان کارزار، و در حال درگیری با دشمن غدّار به عنوان نماز خَوف و مُطارَده باید انجام گیرد. که مشروعیّت نماز خَوف و جِواز قصر آن در سفر و حَضَر، در زمان غیبت نیز مورد اتّفاق فقهای اسلامی است ، جز مالک که بر این باور است که در حَضَر نماز خَوف دو رکعتی و قصر نمی شود، و تنها از کیفیّت اَدای آن کم می شود ; نه کمّیت رکعات نماز.

مستند دیگر فقهای ما افزون بر نماز خَوف پیامبر(ص) در غزوات: ذاتُ الرِّقاع سه میلی مدینه در منطقه نَجد; و بطنُ النَّخیل (بین طائف و مکه) و عُسفان(۳۶ میلی بین مکه حُجفه) و نماز خَوف امیر مؤمنان در صفّین و لیله الهَریر، و نماز ظهر عاشورای سیّد الشّهداء(علیه السلام) و دیگر روایات در این باب، آیه شریفه است که می فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۱ و ۱۸۸; ابن طاووس، الملهوف ص ۱۷۴-۱۷۰; عباس عزیزی، نماز و عبادت امام حسین(علیه السلام)، ص ۳۷-۵۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱، ش ۲.

۳- سوره نساء، آیه ۱۰۳.

۴- سوره طه، آیه ۱۳۲.

(و اِذا ضَربتُم فی الَارضِ فلیسَ علَیکُم جُناحٌ أَن تَقصُروامنَ الصَّلوهِ اِنْ خِفتُم أَن یفتِنَکُم الّذینَ کَفرُوا، اِنَّ الکافِرینَ کانَ لکُم عَدوّاً مبیناً. و اذَا کنتَ فیهم فَأَقمتَ لهمُ الصَّلوهَ فَلَتَقُم طائفَهٌ منهم معکَ وَلْیَأخذوا أسلِحَتَهم فاذا سجدوا فلیکونوا من ورائکم و لتأتِ طائفه اُخری لم یُصلّوا فلیصُلّوا مَعَک و لیأخذا و حذرهم و اسلحتهم وَدَّ الَّذینَ کفروُا لوتغفلونَ عن أسلِحَتکُم و أمتِعَتِکُم فَیمیلونَ علیکم مَیلَهً واحدَهً و لا جُناحَ علیکمْ اِنْ کانَ بکُم أَذیً منْ مَطر أوْ کنتمْ مرْضی اَن تَضَعوا أسلِحَتَکمْ و خُذوُا حِذْرکُم اِنَّ اللهَ أَعدَّ لِلکافِرینَ عذاباً مهیناً. فاِذا قَضَیتُمُ الصَّلوهَ فَأذکُروا اللهَ قیاماً و قُعوُداً و علی جُنُوبِکمْ فَاِذا اطْمَأنَنْتُمْ فَأَقیمُوا الصَّلوهَ اِنَّ الصَّلوهَ کانت علی المُؤمنینَ کتاباً موُقوتاً)((۱))

ترجمه منظوم آیات مزبور از زبان شاعر جوان معاصر نیشابوری که بسیار رسا و زیباست، چنین است:

چو راه سفر را گرفتید باز *** گناهی نباشد شکسته نماز

دو رکعت بخوانید جای جهاد *** به فرمان و دستور پروردگار

نگردید غافل ز کفّار خوار *** ز نیرنگ آن قوم ناسازگار

که بس آشکار است آن دشمنی *** که دارند آن کافران دنی

پس آن گه که شخص تو ای مصطفی *** میان سپاهی به وقت غزا

چو خواهی که برجای آری نماز *** عبادت کنی خالق بی نیاز

گروهی مسلّح شوندت عَسس *** نگهبان بگردند ازپیش و پس

پس آن گه که سجده به جای آورند *** نماز و عبادت به پایان برند

گروهی که اوّل نخوانده نماز *** خود از بهر خواندن بیایند باز

بیایند افراد آن با سلاح *** نماید خِرَد بر تو راه صلاح

بلی کافران می کَشند انتظار *** که غَفلَت نمایید در کارزار

که ناگه به سوی شما حمله ور *** بگردند با نیزه و با سپر

چو بیماری و بارش آسمان *** شما را به رنج افکند، آن زمان

گناهی نباشد گشایید اگر *** در آن چند لحظه سلاح از کمر

ولیکن در این حال هم بر حذر *** بمانید از خصم تیره گهر

که از بهر کفّار روز شمار *** عذابی نهاد است پروردگار

که گردند نابود و خوار و ذلیل *** بر آنها تباهی بگردد گسیل

پس از آن که پایان پذیرد نماز *** بمانید در حالت احتزار

به هر حال کاید به دست شما *** نمایید تسبیح یکتا خدا

به پهلو و بنشسته و ایستا *** به هر حال گویید ذکر خدا

پس از آن گه که ایمن شدید از عدو *** چو دانید ناید گزندی از او

در این حال خوانید کامل نماز *** «بگردید مشغول راز ونیاز»

که بر مؤمنان به پروردگار *** بود واجب این حکم در روزگار((۲))

بنابراین چگونگی اجرای این نماز در میادین نبرد در آغاز به وسیله قرآن کریم در قالب نَمونه، بیان شده است تا برای مسلمانان واضح تر و زیباتر از کار درآید و به تعبیر منطقی از نوع تعریف به مثال است.

پیامبر را امام جماعت فرض کرده، و مأمومین را به دو گروه دسته بندی کرده است. که امام صادق(علیه السلام) در توضیح آن چنین فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در جنگ ذات الرِّقَاع با اصحاب خود به نماز ایستاد.

۱- سوره نساء، آیات ۱۰۱-۱۰۳.

۲- امید، مجد، قرآن مجید باترجمه منظوم، ص ۹۵-۹۴.

«به این صورت که یاران را دو قسمت کرد: یک دسته را رویاروی دشمن قرار داد، و با دسته دیگر نماز خواند. آن حضرت تکبیر فرمود آنـان نیز گفتنـد، آن جناب حمـد و سوره خوانـد و آنان ساکت بودنـد، او رکوع نمود آنان نیز رکوع کردنـد، او سجده به جاآورد آنان نیز سجده کردند.

سپس پیامبر خـدا برای رکعت دوّم به پا خواست، و دیگر چیزی از حمـد و سوره رکعت دوّم نخوانـد تا نمازگزاران به صورت فرادا رکعت دوم خود را به پایان بردنـد، و به یکـدیگر سـلام دادند، و جای خود را با گروه محافظان عوض کردند، و در برابر دشمن ایستادند.

دسته دوم که تا کنون در برابر دشـمنان ایستاده بودند، باپیامبر(صلی الله علیه وآله) اقامت نماز جماعت بستند. آن جناب تکبیر گفت آنان نیز گفتند و در حال قَرائت پیامبر سـکوت کردند. تا آن حضرت به رکوع رفت آنان نیز به رکوع رفتند آن حضرت سجده نمود آنان نیز به سـجده رفتند. آن گاه پیامبر خدا نشـست و تشـهّد خواند و سلام داد آنان برخاستند و یک رکعت باقی مانـده خود را فرادا به پایـان بردنـد، و در آخر به یکـدیگر سـلام دادنـد; و این همان نماز خَوفی است که خداونـد به پیامبرش دستور داده است. ((۱))

بر اسـاس قاعـده فقهی: «اَلْمَیْسورُ لا ـ یَسـقُطُ بالْمَعسُورِ» با حـدّاقل اَذکار و به هر صورت که مقـدور باشـد، انجام می گیرد. نماز خَوف باتوجّه به آیات یاد شـده به دو نوع: خَوف و شـدّت خوف یامُطارَدَه دسـته بنـدی می شود، که معروف ترین نماز خَوف نوعِ نخست همـان خَوف ذاتِ الرّقـاع است، که برای نخستین بار توسط نبیّ اکرم(صـلی الله علیه وآله)، اِجرا شـد، و کیفیت آن مورد پذیرش همه فقیهان مذاهب برجسته اسلامی است.

از این رو حضـرت علی و امـام حسـین (علیهمـا السـلام)در صِـ فّین و کربلا و حتّی حُـذیفه بن یَمان در فتـح طبرسـتان((۲)) در بحبوحه نبرد پس از درگـذشت پیـامبر نمـاز خوف به جـای آوردنـد . تأکیـد آیه تشـریع نمـاز خَوف بر اِقامه آن به جَماعت به اِمامت آن حضرت حتّی در میدان جنگ با کفّار افزون برمشروعیت آن بیان گر اهمیّت اصل نماز آن هم به جماعت، و در اوّل وقت می باشـد. مطمئناً چنین نمازی در تأمین آرامش روان رزمنـدگان و بالا بردن روحیه آنان در نبرد با دشـمنان و هم دلی و هماهنگی مسلمانان، تأثیر به سزائی داشته، و خواهد داشت. که شرایط اجرایی آن از این قرار است:

۱- مدافعان مسلمان در میدان نبرد دست کم قابل تفریق به دو دسته پاسدار ونماز گزار باشند.

۲- دشمن قوی و نگرانی منطقی از هجوم دشمن به رزمندگان در حال نماز باشد.

۳- نماز به جماعت و رو به قبله باشد، و دشمن در جهت قبله مستقرّ نباشد.

۴- حفظ آمادگی دفاعی در حین نماز با همراه داشتن اسلحه اگر چه خون آلوده باشد.

چرا که نماز خَوف از عـدو، آتش بس موقّت یک جانبه از سوی فرمانده مجاهدان مسـلمان به دشـمنان اسـلام است. در میدان

نبرد اگر مـدافعان انـدك و يا دشـمن نزديک و يا در حال زَد و خورد و درگيری، خَوف شديـد، باشد نماز مُطارَدَه خوانده می شود. چنان كه امير المؤمنين(عليه السلام) در ليله الهرير نمازش در اذكار تسبيح و تحميد و تكبير و تهليل خلاصه شده بود.

چگونگی نماز خوف در ظهر عاشورا

امام حسـين(عليه السـلام) روز دوم محرّم الحرام وارد سـرزمين كربلا شد، و عصـر روز عاشورا به شـهادت رسـيد.بنابراين مدّت اقـامت حضـرت وياران و همراهانش در كربلا هشت روز بيش تر نبود، و مسافرى كه كم تر از ده روز در جايى بمانـد البته در صورتى كه مردّد نباشد وسفر او شرعى باشد نمازش كوتاه و دو ركعتى مى شود.

۱- شـيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۹، و نيز منـابع ديگر فقهى از جمله جواهر الكلام، ج ۱۴، ص ۱۹۳-۱۵۵ و دروس فى الفقه المقارن، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۳۷ و تحرير الروضه فى شرح اللمعه، ص ۶۹ را ببينيد.

۲- جواهر الكلام، ج ۱۴، ص۱۵۵. و سـنن ابى داوود، ج ۲، ص ۲۳، ش ۱۲۴۶، و دروس فى الفقه المقـارن جناتى، ج ۱، ص ۳۳۷.

بنابراین هر چند نماز خوف هم به فتوای اکثریّت قریب به اتّفاق فقیهان، حتّی در حضَر هم قصر و دو رکعتی می شود اما در آن بیابـان امام هم مسافر بود و هم در حال خَوف به سر می برد و نوع نماز آن حضـرت نماز خَوف ذات الرّقاع بود که به جماعت برگزار شـد. بـا این تفـاوت که در این غزوه پیامبر (علیه السـلام)با کفّار در حال نبرد بود، و امام حسـین(علیه السـلام) در بیابان کربلاـ بـا باغیـان و شورش گران در حـال جنگیـدن بود. و این عمـل امام(علیه السـلام)مشـروعیّت اقامه نماز خوف در مقابله با آشوب گران را اثبات می نماید.

در حالی که امام(علیه السـلام) به همراه یاران به نماز ایستاده بود یزیدیان سنگ دل نه تنها به نمازگزار و نماز احترام نگذاشتند دهـان به زخم زبـان گشودنـد و بـا سوء اسـتفاده از این فرصت به سوی این نماز گزاران عاشق و مـدافعان اسـلامی تیر انـدازی کردند، و قلب نمازگزاری چون سـعید بن عبد الله را نشانه رفتند، و او را به شهادت رساندند، و کوفیان غدّار با این کار خود به بی اعتنایی خود به نماز و شعائر مقدّس دین، به خاطر دنیا و منافق بودن خویش اثبات کردند.

طبری و دیگران نوشـته انـد: در گرمـا گرم نبرد عـاشورا در عرصه کربلاـ، یکی از تابعـان و شـجاعان شـیعه و یـاران علی(علیه السلام)و یاوران مسلم بن عقیل در کوفه، به نام عمرو بن عبدالله معروف به ابوثمامه صاعدی دریافت که ظهر است و خطاب به سید الشـهدا(علیه السـلام) عرض کرد. «یا ابا عبد الله نفسـی لک الْفدأ انی اری هولاء قد اقتربوا منک لا و الله لا تقتل حتی أقتلُ دونک ان شاء الله و احبّ ان ألقی ربّی لقد صـلیّت هذه الصـلاه التی دنا وقتها، فرفع الحسین(علیه السلام) رأسها ثم قال: ذکَّرتَ الصَّلاه جَعَلَکَ اللهُ منَ الْمُصلّینَ الذّاکرین. نَعَم هذااوّل وقتها((۱))؛

ای ابا عبدالله: جانم به فدایت که این گروه قصد جان تو کرده اند نه به خدا کشته نمی شوی مگر به خواست خدا من در راه تو کشـته شوم. و دوست دارم در حـالی پروردگـارم را ملاقـات نمایم که این نماز را که وقتش فرا رسـیده به جای آرم. امام(علیه السـلام)نگاهی به آسمان نمود و فرمود: آری اکنون اوّل وقت نماز است، و در حق او دعا فرمود که: نماز را یاد کردی خدا ترا از نمازگزاران ذاکر قرار دهد.»

یادآوری

این نکته نیز ضـروری است که هرگز این گـونه نبود که یـک مجاهـد والامقـام به فکر نمـاز ظهر باشـد، ولی امـام معصوم(علیه السـلام)در اندیشه نمازاول وقت به جماعت نباشد،بلکه امام(علیه السلام) به طور قطع و مسلّم آماده انجام این فریضه دینی بود، لـذا فرمود: ذَکَّرتَ الصَّلاهَ و نفرمود : ذَکَرتَنی، و از این جمله منظور امـام(علیه السـلام)تشویق ابو ثمـانه، و دیگر نمـازگزاران و رزمنـدگان بـه نمـاز، و بـه یـاد خـدا بـودن در هر حـال اسـت و این درسـی بـود که امـام(علیه السـلام) از پیـامبر(صـلی الله علیه وآله)وامیرمؤمنان(علیه السلام)در میادین نبرداسلام آموخته بود.

در جنگ صـفیّن عبد الله ابن عباس، امام علی(علیه السـلام)را نگران آسـمان و در حال انتظار در بحبوحه نبرد دید و با شـگفتی پرسـید: چرا به آسمان نگاه می کنی؟حضرت فرمود: مراقب اول وقت نمازم. ابن عباس گفت: اکنون مصلحت ما نیست، دست

از جنگ بکشیم. حضرت در پاسخ فرمود; چنین نیست; «اِنَّما قاتَلناهم علی الصَّلاه; ((۲)) جز این نیست که ما بخاطر نماز با آنان می جنگیم.»

این موضع گیری برای همه پیروان علی(علیه السلام) و حسین(علیه السلام)درسی است که بخاطر بسپارید که نماز باید همه امور را تحت الشّعاع قرار دهد و به تعبیر روایات و شهید رجایی:«به کار بگویید وقت نماز است».

۱- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۳۹، ابن اثیر، الکامل ج ۴، ص ۷۰، ابن طاووس، الملهوف ص ۱۶۵، ابو مخنف، مقتل الحسین(علیه السلام)، ص ۱۴۲ مجلسی، بحار ج ۴۵، ص ۲۱، محدث قمی، نفس المهموم ص ۲۷۰-۲۷۲، بحرانی، عوالم ج ۱۷ ص ۲۶۲ و موسوعه الامام الحسین(علیه السلام) ج ۳ ص ۵۹۲-۵۸۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۴۱ از ابواب مواقیت الصَّلاه، ش ۱.

مرحوم مقرّم در مقتل الحسین(علیه السلام)می نویسد : امام پس از ادای نماز ظهر عاشورا به جماعت در سخنان کوتاهی به یارانش فرمود: «یا کرامُ هـذِهِ الجَنَّهُ فُتِحَت أبوابُها واتّصِلَت أنهارُها و أیْنَعَت ثمارُها و هـذا رسولُ اللهِو الشّهداءُ الَّذینَ قُتِلوا فی سبیل اللهِ یَتَوَقَّعونَ قُدومَکُم و یَتَباشَرونَ بِکُم فَهامُوا عن دینِ اللهِ و دینِ نبیِّهِ و ذَبّوا عن حرمِ الرَّسولِ; ((۱))

ای بزرگ منشان ، این بهشت است که برای شما درهایش باز و رودهایش به هم پیوسته و میوه هایش رسیده و این پیامبر خدا و شهیدان راه خدا هستند که در انتظار ورود شما به سر می برند.پس بر عهده شماست که از دین خداو پیامبرانش حمایت و از حرم پیامبر دفاع نمایید.»

سخن آخر با عاشوراییان

بسیاری از قدرت مندان تاریخ بشر بر پایه حسّ خلود و عشق به ماندن همیشگی مایل بودند که پس از مرگشان نام و یادشان زنده بماند و چه بسا که بناهای یادبودی پیش از مرگ برای خود ساخته اند، و یا کتیبه های سنگی یا فلزّی از خود به یادگار گذاشته اند ولی هرگز این نوشته ها در دل ها و سینه ها جا نگرفت.

اما آرمان های مردان الهی و پیام های منادیان دین و حقیقت با این که روی صفحه لرزان هوا منعکس شده بود، همواره در دل ها و سینه های انسان ها نقش بسته و خطوط نورانی آن زندگی نسل ها را در گستره تاریخ انسانیّت روشن نگه داشته است.

پیام های نهضت حسینی که همواره با دود آه به امواج هوای گرم کربلا سپرده شده بود، و با خون پاک امام(علیه السلام)و یاران وفادار او بر زمین نقش بسته بود، چون از سر اخلاص و عشق به خدا بود رنگ جاودانگی گرفت.

بی تردید نهضت الهی حسینی همانند دانشگاهی پویا، آموزه ها و پیام های فراوان و مهمّی دارد که در جای خود باید بیش از پیش مورد بررسی و بهره برداری قرار گیرد و نماز ظهر عاشورا که بخش کوچکی از آن قیام الهی است، برای بشریت به ویژه عاشوراییان و عاشقان ابی عبد الله (علیه السلام)پیام هایی داد که مهم ترین آنها از این قرار است:

۱- اهمیّت نماز و عبودیت و بندگی خدا در زندگی انسان.

۲- فضیلت محافظت بر نماز در اول وقت آن.

۳- ضرورت ترویج نماز، با جماعت مسلمانان.

۴- مواظبت بر دفاع از نمازگزاران حتی در میدان نبرد.

۵- جدیّت در احترام به مقدسات دین و احیای اذان.

۶- استعانت و کمک خواستن از خدا در پیکار با ستمگران.

۷- تبعیّت از مکتب جهاد و شهادت در حفظ آرمان حسینیان .

زیرا اگر ما شیعیان در پی آن نباشیم که بخش مربوط به خود را از آن حماسه جاویدان، چون تابلویی آموزنده در زندگی شرافت مندانه، استفاده نماییم باید بر شیعه بودن خویش تردید نماییم.

آری ما همواره باید تلاش نمائیم که در پایداری در صراط مستقیم حق جوئی و حق گرائی و احترام به مقدسات اصیل مذهب، پایبندی به شعائر دین، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با خرافات، جلوگیری از توهین، تضعیف اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه وآله)، اصلاح برخی آداب و رسوم عزاداری که آفات آن به شمار می آید، پیش گام باشیم وگرنه ناخواسته همسو با دشمنان به نهضت کربلا و بانیان ارجمند آن خیانت کرده ایم.

این که اگر حسین(علیه السلام) و یارانش با مهلت گرفتن از دشمن، شب را تا صبح به نماز و دعا و تلاوت قرآن و استغفار پشت سر گذاشته و شب عاشورا را محفل انس با خدا و تقویت معنویت قرار داده اند، روا نیست به بهانه

۱- محمد صادق، نجمی، سخنان حسین بن علی(علیه السلام)از مدینه تا کربلا، ص ۲۹۲.

عزاداری با نواختن شیپور، نی، فلود و اجرای آهنگ های مبتذل و موسیقی غنایی و برهنه کردن بدن در جلو چشم نامحرمان و...مجالس عزا را به محفل شادی و گناه و معصیت الهی تبدیل کنیم.

اگر امام حسین(علیه السلام) برای مبارزه با بدعت و نجات اسلام خون داد، حسینیان نیز با حفظ شعائر مذهبی و مراسم عزاداری سنّتی، و پرهیز از کارهایی نظیر شبیه سازی های غیر واقعی، چهار دست و پا راه رفتن و صورت را بر زمین کشیدن، و خون آلوده کردن، و قمه زدن در ملأعام - که در دنیای امروز موجب وهن مذهب و بدبینی به مقدّسات دینی، و ضرر غیر قابل جبران می گردد - باید در تقویت دین و ترویج فرهنگ عاشورایی که همان مبارزه با ستم و فساد و تباهی است، همواره کوشش نمایند.

در شرایط کنونی به جای قمه زنی ، به یاد شهدای کربلا- برای درمان بیماران و پاداش اخروی خون خود را به مراکز انتقال خون اهداء نمایند. چرا که در موقعیّت کنونی بسیاری از فقیهان نامی نظیر آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در «الفردوس الاعلی» علامه سید محسن امین عاملی در «اعیان الشیعه» و نیز امام خمینی (ره)و دیگران در وضع کنونی جهان فتوا به اجتناب از قمه زنی و ممنوعیت آن داده اند.((۱))

حضرت آیه الله خامنه ای مقام معظم رهبری مدظله العالی نیز در دیدار با روحانیون، در آستانه عاشورای سال **۱۳۷۳** نیز باتوجه به شرایط زمانی فرمود: «این جانب از کسی که تظاهر به قَمه زنی کند قلباً راضی نیستم»((۲)) و نیز در جای دیگر می فرماید: «من در دو سه سال قبل از این راجع به قمه زنی مطلبی را گفتم و مردم عزیز ما آن مطلب را با همه وجود پذیرفتند، و عمل کردند.

اخیراً شخصی مطلبی را به من گفت که خیلی برایم جالب و عجیب بود، برای شما هم نقل می کنم: کسی که با مسایل کشور شوروی سابق، و این بخشی که شیعه نشین است (آذربایجان) آشنا بود می گفت: آن وقتی که کمونیست ها بر منطقه آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند همه آثار اسلامی را از آنجا محو کردند مثلاً مساجد را به انبار تبدیل کردند. سالن های دینی و مذهبی و حسینیه ها را به چیزهایی دیگر تبدیل کردند و هیچ نشانه ای از اسلام و دین و تشیّع باقی نگذاشتند. فقط یک چیز را اجازه دادند و آن قمه زدن بود.

دستور العمل رؤسای کمونیستی به زیر دستان خودشان این بود، که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند، نماز جماعت برگزار کنند. اما اجازه دارند قمه بزنند. چرا؟! چون خود قمه زدن برای آنها یک وسیله تبلیغ بر ضدّ دین و بر ضدّ تشیّع بود. بنابراین گاهی دشمن از بعضی چیزها این گونه علیه دین استفاده می کند. هرجا خرافات به میان بیاید دین خالص بدنام خواهد شد.»((۳))

به تعبیر شاعر خوش ذوق معاصر جواد محدثی:

کی گفت حسین تو بر سر خویش بزن؟! *** با تیغ به فرق خویشتن نیش بزن!

تیغی که زنی بر سر خود ای غافل *** بر فرق ستمگران بد کیش بزن

محبّان حسینی بایـد از نَوح به باطل و مـدّاحی و مرثیه خوانی افراد بی سواد که داسـتان های بی اساس و خرافات پوچ و اشـعار غلوآمیز، و محتوای زبـان حـال بی مـدرک، و اخبـار جعلی، که موجب وَهن معصومین و اسـتهزاء مسـلمین و تضـعیف دین می گردد، بـه شـدت پرهیز، و جلـو گیری نماینـد، و نگذارنـد، کـه مراسم مـذهبی حرکت آفرین عـاشورا و اربعین حسـینی و دیگر امامان (علیهم السـلام) با خرافات آمیخته گردد و مسـئولیت شـرعی نخبگان و علمای دین و مسئولان هیئت های مذهبی در این زمینه سنگین تر خواهد بود.

۱- مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتردوم، ص۱۹۴.

۲- جهت اطّلاع بیشتر به: مجموعه مقالات دوّمین کنگره بین المللی امـام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر اوّل، ص ۱۲۳-۱۲۴و ۲۳۱ و ر.ک: چشمه خورشید، ج ۱، مقاله استاد محمّد واعظ زاده، ص ۱۵۰-۱۴۶.

۳- مشک فشان، گزیده ای از ارشادات و تلمیحات و آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۶.

سرانجام اگر سیّد الشّهدا(علیه السلام) در گرماگرم ظهر عاشورا در اوج تابش سوزان خورشید پاییزی، و تشنگی و در میان صفیر تیر باران دشمن به نماز جماعت ایستاد، برای آن بود، که به همگان اعمّ از زن و مرد و پیر و جوان مسلمان تفهیم نماید که به نماز اوّل وقت آن هم به جماعت اهمیّت دهند!و احیای این فریضه مهم را مهم تر از سینه زنی، زنجیر زنی، علم کشی و نوحه خوانی بدانند، و در ظهر عاشورا در میادینی که سدّ معبر پیش نیاید.به اقامه نماز با جماعت همّت گمارند و نوجوانان و جوانان و مؤمنین بدانند که عزاداری از بی نماز مقبول درگاه الهی نخواهد بود.

اگر بخواهیم مورد عنایت و توجه حضرت ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) قرار بگیریم، باید نماز را سر لوحه زندگی خویش قرار دهیم. تا از پویندگان خطّ سید الشهدا و راه و روش اولیای خدا باشیم.

امام خمینی(قدس سره) در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی در تاریخ ۱۴/۳/۵۹ فرمودند: «نماز پشتوانه ملت است. سید الشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگی بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت: که ظهر شده است. فرمود: یاد من آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند. و ایستاد در همان جا نماز خواند: نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند.»((۱))

از این رو به جرأت می توان نتیجه گرفت که شهادت یاران و امام و اسارت خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله)، حیات اسلام و قرآن جاودان را برای انسان به ارمغان آورد و به تعبیر شاعر ژرف اندیش:

گر آن تشنه لب، کشته عطشان نمی شد *** قوی هرگز ارکان ایمان نمی شد

به دین خدا می شدی تنگ، میدان *** اگر شاه دین سوی میدان نمی شد

ز راه خدا باز ماندی، همه کس *** به راه خدا او، چو قربان نمی شد

به مرگ دیانت شدی کفر، خندان *** به قتلش، اگر دیده گریان نمی شد

جهانیش مهمان احساس نبودی *** به خولی سرش، تاکه مهمان نمی شد

سرش گر نمی خواند، آیات قرآن *** به کس، کشف اسرار قرآن نمی شد

کجا جمع گشتی، پریشانی دین *** اگر اهل بیتش، پریشان نمی شد

کجا کاخ دین حق، آباد گشتی *** گرش خانمان، جا به ویران نمی شد

محک شد حسین(علیه السلام)، ار نه تا صبح محشر *** غِش کفر، هرگز نمایان نمی شد

ز دوزخ امید نجاتش، نبودی *** «شباب»ار حسین را، ثنا خوان نمی شد

این بحث را با دعای سجده «زیارت عاشورا»حُسن ختام می بخشیم که امام باقر(علیه السلام) ناظر خردسال صحنه عاشورا می فرماید:

«اللهم لکَ الحمدُ حمدَ الشّاکرینَ لکَ علی مُصابِهِم. الحمدُللهِ علی عظیمِ رزیّتی. اللهم ارْزُقنی شفاعهَ الحسینِ یومَ الوُرودِ و ثَبِّتْ لی قَدَمَ صِدْق عندکَ مَعَ الحسینِ و اصحابِ الحسینِ الذینَ بذَلوا مُهَجَهُم دونَ الحسینِ علیه السّلامُ»

معبودا!، تمامی حمد سپاس گزاران حقیقی در برابر آن چه به ایشان رسیده است ویژه توست; و بر غم و اندوه سترگی که در این مصیبت بزرگ به من رسید تنها تو را سپاس گویم. بارالها شفاعت حسین(علیه السلام)را به هنگام ورود بر خویش در سرای دیگر، روزی من فرما! و گام مرا در پیشگاه خود و همگام با حسین(علیه السلام) و یاران او-که آخرین قطرات ذخیره خون دل خویش را در راه حسین(علیه السلام)افشاندند استوار و پایدار فرما!»

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

منابع

۱ - قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، مدرسه امام علی بن ابی طالب(علیه السلام)، قم ۱۳۷۸

۲ - ابن الاثیر الجزری، ابوالحسن علی بن محمد(م ۶۰۶)الکامل فی التاریخ، دار الکتب العربیه، بیروت ط ۲، ۱۳۷۸ ق

۳ - ابن ابی الحدید، ابو حامد عبد الحمید(م ۶۵۶)شرح نهج البلاغه، دار احیا الکتب العربیه القاهره ۱۳۷۸ ق

۴ - ابن طاووس، السید علی بن موسی (م ۶۶۴)الملهوف علی قتلی الطفوف، دار الاسوه، تهران ط ۲-۱۳۷۵

۵ - ابن عبد ربه، الاندسی، احمد بن محمود(م ۳۲۸)العقد الفرید، مطبعه لجنه التألیف و الترجمه و النشر ۱۳۶۵ ق

۶ - ابن نما، محمد بن جعفر(م ۶۴۵)مثیر الاحزان، مطبعه الحیدریه، النجف، ۱۳۶۹ ق

۷ - ابو داوود، سلیمان بن الاشعث السجستانی (م ۲۷۵)سنن ابی داوود، دار احیاء السنه النبویه.

۸ - بحرانی، شیخ عبد الله اصفهانی (م ۱۲)عوالم العوالم و المعارف (الامام الحسین(علیه السلام) ج ۱۷)مدرسه الامام المهدی(علیه السلام)، قم، ۱۴۰۷ ق

۹ - جمعی از پژوهشگران، موسوعه الامام الحسین(علیه السلام)انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸

۱۰ - جناتی، محمد ابراهیم ، دروس فی الفقه المقارن، معهد الشهید الصدر، قم، ۱۴۱۱ ق

۱۱ - حر العاملی، محمد بن الحسن(م ۱۱۰۴)وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه دار احیاء التراث العربی بیروت، ۱۳۸۲ ق

۱۲ - خامنه ای سید علی حسینی، از ژرفای نماز، بعثت، تهران

۱۳ - صالح، صبحی، نهج البلاغه، دار الحجره، قم، ۱۴۰۷ ق

۱۴ - طبرسی فضل بن حسن(م ۵۴۸)۱-اعلام الوری باعلام الهدی، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۹۹

۱۵ - طبرسی، ابو نصر الحسن بن فضل(م ق ۶)مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ط ۲-۱۳۹۲ ق

۱۶ - طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید، (م ۳۱۰)تاریخ الامم و الملوک، دار المعارف، مصر ط ۲- ۱۹۷۱ م

۱۷ - عزیزی، عباس، نماز و عبادت امام حسین(علیه السلام)، انتشارات نبوغ، قم، ۱۳۷۸.

۱۸ – فیض، ملا محسن(م ۱۰۹۱)محجه البیضا فی احیاء الاحیاء دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۸۳ ق

۱۹ – فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بی نا، تهران، بیتا

۲۰ – قاضی نعمان، محمد التمیمی (م ۳۶۳)دعائم السلام، دار المعارف، مصر، ۱۳۷۹ ق

۲۱ – قرطبی، محمد بن احمد(م ۶۶۱)الجامع لاحکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت

۲۲ – قمی، شیخ عباس(م ۱۳۱۹)۱–سفینه البحار ط سنگی ۱۳۵۵ ق ثنایی، تهران۲–مفاتیح الجنان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران (به خط طاهر خوش نویس) ۳–نفس المهموم، مکتبه بصیرتی، قم

۲۳ – متقی، الهندی، علی(م ۹۵۷)کنز العمال مؤسسه الرساله، بیروت ط ۵–۱۴۰۵ق

۲۴ – مجد، امید، قرآن نامه منظوم، کتیبه، تهران ۱۳۷۷

۲۵ – مجلسی، محمد باقر(م ۱۱۱۱) بحار الانوار ، مؤسسه الوفاء، بیروت ط ۲–۱۴۰۳

۲۶ – مشک فشان، گزیده ای از ارشادات و تلمیحات و آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی(جزوه)

۲۷ – مفید، محمد بن محمد نعمان (م ۴۱۳) ۱– الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مکتبه بصیرتی، قم.

۲۸ – مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱–چشمه خورشید.(مجموعه مقالات اولین کنگره امام خمینی و فرهنگ عاشورا)دفتر ۳–۱، ۱۳۷۴ مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی فرهنگ عاشورا، دفتر ۲، تهران ۱۳۷۶

۲۹ – نجفی، محمد حسن(م ۱۲۶۶)جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت ط ۷–۱۹۸۱ م.

۳۰ – نجمی، محمد صادق، سخنان حسین بن علی(علیهما السلام) از مدینه تا شهادت، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۶۰.

۳۱ – یوسفیه، ولی الله، فلسفه شهادت حسین و یاران او، سنایی، تهران ۱۳۴۴ س.

نماز عارفانه در شب و روز عاشورا

اشاره

نماز عارفانه در شب و روز عاشورا

عرب اسدی

مقدمه

سخن ازمردان خداست، آنان که عقاب سرکش اندیشه شان را به بیکران ها پرواز داده وآسمان آبی دلشان، درمرغزار تجلی عرفان، باریدن آغاز نموده است. آنان که درعشق محض آسمانیشان محو گردیده و چمن سبز صداقت وجود خویش را به معبود هدیه کرده اند. آنهاکه درمحراب نمازشان گلواژه های عشق می شکفد ودر ورای ابدیت، دل به دریای اطاعت سپرده اند.

هم آنان که وفادار به لقای حق و به قول «بلی» خویش پایبند مانده اند و... دراین میان مدهوش دلدادگی حسین و مولایم. حسین دل می دهد و عشق می خرد. حسین معاشقه می کند و پرمی سوزاند.

حسین پروانه می شود و برگرد شمع وجود ، یکتای بی همتا به طوافی عاشقانه دست می یازد ومرا چه جای گفتن از او؟... چه لیاقت نوشتن از او؟...

حسین فاطمه! عذر مرا بپذیر که با نام تو چشم گشودم واکنون جسورانه در گوشه ای از عرفان کرامت تو در حال پوییدنم. شایدآرزوی نماز عاشقانه عاشورای تو، دیگران را نیز چون من واله نماید وبه چشمان رمیده ای هدایت کند که صحراهای هجران را به امید یافتن تو می پیمایند. آنچه پیش رو دارید سرچشمه ای از زلال عشق حسین است در سفره عرفان محض یاران و قطره ای از اقیانوس متبلور عبادت مخلصان.

باشد که ما نیز چون دریایی به استغاثه نشسته،در هجر عشق حسین، دست دعا فرا بریم و معشوق را بخوانیم.

باران عشق در عاشورا

من که چشمه عشق را گم کرده ام واکنون بی وضو مانده ام، رنج نامرادی در روزگار بی رونقی، بازار عرفان را به دوش می کشم. سرچشمه جان را رد نموده ام واکنون به اطلسی های نا آرام کنار دجله رسیده ام. بوی اطلسی های عاشق ناآرام،مرا مست می کند.

در وادی ای گم شده ام که ره یافتگان آن را با من سرسودایی نیست. از جامی، می، می خورم که جز لب حسرت، بر آن نخورده است و در زمینی ره می سپرم که زیبایی آن را تصویر بی نظیر نماز ظهر عاشورا صدچندان کرده است. صدای نوحه سرای گل های عاشق را می شنوم وکاش...خار هرزه ای نبودم تا شاید از بوی عشق این گل ها مست می شدم... دوباره در کنار دجله در حسرت عبادت حسین(علیه السلام)، بغض گلو گیرم می شکند و دیده، دانه های اشک دلم را وا می گیرد. عطرحضور حسین فاطمه درلابه لای بنفشه های سجاده، پیچیده وبوی به حصیر پیچیده شدگان کربلا رابه مشام می رساند.

خاک عاشقی که روزی مُهر سجده او بوده است، امروز تبرک شفای مردمان است ومن نمی دانم که او پیشانی برخاک، به معبود چه گفت که بانگ نیایشش هنوز پس از سال ها به گوش می رسد. ولی این را خوب می فهمم که

«کسی فلسفه عشق بازی با تربت پاک او را می داند که زیر شمشیر غمش رقص کنان رفته باشد و راه وادی عشق را نه باچشم سر و قدرت تخیل، که با بوی خوش دلبر طی کرده باشد.

نماز عاشقانه عُشّاق، با مُهر او جلال دیگری دارد و کسی رمز و راز این شیفتگی و شیدایی را می فهمد که بوی خاک آغشته به خون او در وادی قتلگاه کربلا را از پی اوراق زمان، استشمام کرده باشد».((۱))

دورکعت نماز عشق وجود پاک مولا درظهر عاشورا، وسعت زیبایی دشت آلاله را شرمسار نموده وهنوز لاله درحسرت آن معاشقه می سوزد. دست های عاشقانه او، آن چنان در سایه سارمعبود، خاضعانه بالامی رفت که همگان با او نیّت قربان شدن در مسلخ عشق می کردند و آن گاه که این نیت عاشقانه با (فدیناه بذبح عظیم)((۲)) پاسخ داده شد، درگرمای تفتیده صحرای کربلا،کودک پنج ساله را نیز محو نماز عاشقانه او کرد.

سجاده او نیاز بود وناز و چیزی جز این نیست که هرگمنامی که پای برخاک سجده او گذارد، باید طراوت ها را اسیر اشک ناب دیدگانش نماید.

حسین عاشقانه به نماز ایستاد وعارفانه لبیک گفت. بر سجاده نماز او دریای عشق موج برمی داشت وسر بر ساحل هجران می کوفت. وجودش در هاله عشقی فرو می رفت واشک های زلال دیدگانش گویای عشق سوزان وجودش می گشت، دانه های ستایش، خاک عاشق وجودش را می شکافت، پیشانی زهد به دیواره خاک می سایید و شاد از برآمدن، دریای دلش را ترک می گفت، بر مرغزار شیفته سجاده اش می ریخت وعاشقانه فریاد «الله اکبر» سر می داد.

آن جا که حسین (علیه السلام) قیام می کند همه قیام کنندگان عقب می نشینند. آن جا که او به رکوع می رود، راکعان درگاه مقتدایش می شوند. آن جا که او پیشانی بر خاک سجده می نهد، ساجدان عشق سر شرم به دیوار می سایند و «دیگر عروس فکرشان از فرط خجالت سربرنیارد و دیده یاس از پشت پای ندامت برندارد»((۳)) ومن هنوز شیفته راز نماز اویم.

او در کربلا اقامه عشق می نماید و همگان را محو نماز مستانه خویش می کند. عبادت عاشقانه اوبرقامت خمیده حر ریاحی عصای انابت حایل می کند و او به عبادت های صادقانه حسین (علیه السلام) عشق میورزد. در پیچ وتاب مناجات های خاضعانه حسین(علیه السلام) هرزمان که قمری نظر می افکند شاد ومدهوش سماع آغاز می کند و با بانگ نیایش مولا برمأذنه های بلند عشق، عاشقانه می سراید.

راز معاشقه حسین بایکتای بی همتا همگان را مدهوش می سازد و در هوای پرواز به سوی او بی دل می کند. اظهار نیازهای عارفانه او، مناجات های بیداردلان را در خویش محو می نماید ویک باره بردل های تمامی عاشقان بذر عشق می افکند. سوز عرفانی الله اکبر او در نماز شام عاشورا، بی دردان راکلافه ساخت وهمگان را وادار به اقتدای به اونمود...

... این عبادت برای آنان که بی دردند وتجربه درد را نمی فهمند چیزی جز خم و راست شدن قامت یک انسان نیست. اما

برای من که کوچه کوچه های بی پیرایگی را در نور دیده ام وهم زمان با چشمان رمیده غزالی سرگشته به کربلای عشق رسیده ام، شیدایی بلبل بی دلی است که برشاخسار سرو معشوقش نغمه سرداده است. تسبیح عاشقانه او در کربلا برقامت خمیده حبیب بن مظاهر خضاب خاک افشاند و او در اوج پیری، رقصی به زیبایی جنون عشق کرد و به سوی معشوق پرواز نمود.

۱- اسدالله، بقائی، کربلایی که من دیده ام.

۲- سوره صافات، آیه ۱۰۷.

۳- گلستان سعدی.

زمزمه های عاشـقانه حسـین (علیه السـلام) در زمین سـجاده، قلب تازه داماد کوفه را به یک باره فرو ریخته و او را برآن داشت تـاعروس دنیـوی خـویش را ترک گویـد و بـه راهنمـایی زمزمـه هـای مناجـات مولاـ بـه سـوی او پر بکشـد. نمی دانم درنمـاز ظهرعاشورا چه رازی نهفته بود که سپرها شکست و نیزه ها خم شد.

دانه های اشک مولا برسجاده ظهر عاشورا چون شبنم عشق، برپریشان خاطران نشست و چهره ها را به عشق، گلگون ساخت.

سمـاع عاشـقانه او در نمـاز ظهر عاشورا، عکس نازنین عالم را درآینه نیازش متجلی کرد و خود نازنینی شـد که هزاران عاشـق پس از سال ها، هنوزمجروح (لن ترانی)اویند. رکوع های عاشقانه حسین(علیه السلام) ، در نماز عاشورا عقل را دیوانه می کند.

اگر خوب تأمل کنیم در می یابیم که مولا به «بوی سـنبل زلف معشوق، عقل خاکی مست را رها کرده و در دایره عشق»((۱)) به سوی مرکز می رود. در بـازار عرفـان عاشورا جان می فروشـند وخار می خرنـد. آنها شایسـته صـید معشوق انـد و معشوق با لطف بیکران خویش، عـاشق می پـذیرد. او عشق سـرخ کربلاـ را می پـذیرد وبرقامت های درحال قیام نمازگزاران ظهر عاشورا فخر می نماید.

زیبـایی در این دو رکعت عشق موج می زنـد و این حُسن، چیزی جز حقیقت دل مولاـ اباعبـدالله (علیه السـلام) نیست که خـانه عشـق است و چون اتـاقی هزار آینه به هرسو می نگرد و جز جمـال یوسف عشق چیزی نمی بینـد و فریـاد برمی آورد که (أینَما تُولّوا فثَمّ وجهُ الله)((۲)) این پیونـد عاشـقانه انسان وخـدا، زیباتر از این جا در هیچ مکان دیگری صورت نپذیرفته است. همین ناز آفرینی سجاده ظهر عاشورا است که پس از هزار و اندی سال صد هزاران کافر عشق را مجاب نموده و فریاد می دهد:

«مسلمانان مسلمانان، مسلمانی زسرگیرید *** که کفر از شرم یار من سلیمان وارمی آید»((۳))

نماز عاشـقانه ظهر عاشورا، آن قدر زیباست که جگر سوخته وعطش تفتیده وجودِ مرغانِ بال آراسته آن سرزمین را سیراب می کند و آنها را به سماعی عارفانه فرا می خواند...و همین رکوع عاشقی بود که سبب گردید مغ بچه خانه خرابی که تاچند لحظه قبل، مأمور دریغ کردن شـراب سـبو از آنها بود درِ میخانه بگشاید وخُمِ شراب ناخالص خویش را درصهبای نابشان بریزد و بی دل از تماشـای عرض نیازشـان گردد. این معاشـقه عارفـانه در ظهر عـاشورا، یک بار دیگر صورت نیلی زهره راگلگون نمود و روزها را درحسرت عشق مولا به جای گذارد.

عرفان محضِ کرامتِ حسـین (علیه السلام) درظهر عاشورا، فرصت تکبیرها را می گیرد و فاختگان را وادارمی کند تا «داد کو؟ کو؟» سـردهند وکوه به کوه به دنبـال حضور بی انتهـای او در انتهـای او درنمـاز عـاشورا پویه کننـد و همین نمـاز عاشورا دلیل مانـدن عشق درکربلاست که همگان را در عرشه ایمن کشتی مولا می نشانـد و نظاره گر لنگر انـداختن آن درساحل وصل یار می نماید.ای کاش ما نیز حسـرت حضور در نماز عاشـقانه حسـین (علیه السـلام) را نداشتیم و با او به سجده می رفتیم. عاشقانه می خواندیم، عارفانه نیایش می کردیم، خاضـعانه به رکوع می رفتیم، خالصانه دست قنوت فرا می بردیم، خاشعانه لب به ترنم تسبیحات می گشودیم ومستانه در بنفشه زارکربلای او گردش می کردیم.

حسین (علیه السلام)و معاشقه

روز ترویه، هنگامه حج، روزعرفه، صحرای عرفات، قربان گاه ومسلخ عشق!... کدام را انتخاب می کند؟...مسلخ عشق را می پذیرد که درآن جز نکو را نکشند و او را به مسلخ می برند. فرشتگان با هودجی از نور به استقبال عرفان مجسم می آیند و او خود به چشم خویشتن بیند که جانش می رود.

۱- حسین الهی قمشه ای ، مقالات .

۲- سوره بقره، آیه ۱۱۵ .

۳- مولانا، غزلیات شمس .

حسین درعرفه، عشق را در معنای راستینش تبیین نمود. با دل کندن از واجبی چون حج، مهمی چون جهاد را رقم زد که افلاکیان جانبازی خاکیان را ببینند. جانبازی عزیزترین بنده خاص خدا با دعای عرفه، عرفانی تر شد. او درکنار کعبه، دربلندای صفا و مروه، در جوار زمزم، درعین وصل، در اوج وصال، آن کعبه در حریر مشکین پیچیده را رها ساخت، کعبه سرخ را برگزید و دعای عرفه را وجهه عینی بخشید. همین دعا که سرود افلاکیان است و به عشق او اجابت شده است. درمناجات او مظاهر عینی اجابت دعای عرفه، هویداست.»((۱))

حسین(علیه السلام) - عاشقی که عاصیان او را شفیع درگاه مولا قرار می دهند - چه زیبا معشوق را می خواند: «الهی لَو لا سَتْرك ایّایَ لكنتُ مِن المفضُوحین»((۲))... سخنان قشنگ او آبی بر آتش درون من است. او با عشق بیان می دارد که معبودا تو آن قدر خوبی که رسواییم را حاشامی کنی، آبرویم را می خری، وآن را بر خاك مذلت نمی نشانی: «یاكاشف الضّر و البلوی... یا من لم یَعْجل علی من عَصاه من خلقه»((۳)) مولا! هرزمان که کوله بار محنت برشانه ام سنگینی می کند، آرامشم می دهی و قلبم رابه میزبانی سکینه فرامی خوانی. صبر می کنی وبه یاریم می آیی که اگر یاری تو نبود، از مغلوبین بودم.

چه زیبا فرا خوانده، چه زیبابه میهمانی رفته وچه عاشقانه سخن گفته است. در صحرای عرفان او پای درعشق فرو می شود؛ چنان که در برف. او آن گاه که « ربّ بمااطْعَمْتَنی وَ سَقَیْتَنی، رب بما اَغْنَیْتَنی و اَقْنیتنی ربّ بما اَعْنَتَنی و اَعْززتنی»((۴)) رابر زبان می آورد از یار طلب می کند که به آنچه از عشق محض آسمانی اش بر کویر خشکیده روح بنده خویش روان ساخته و به آنچه بر همگان باریده «نَجِّنی مِنْ أهْوال الدُّنْیا وكُرُبات الآخره»((۵)) آشنا می نماید وعاشقانه بامعشوق سخن می گوید.

آن جا که دل به دریای عبادت می زند و بیان می دارد: «اللهم ما اَخافُ فَاكْفِنی و ما اَحْذَرُ فَقِنیو فی نفسی و دینی فاْحرسنی و فی سَفَری فاحْفَظْنی»((۶)) مولای من تو در شب های وحشت انگیز تنهایی، درکنار بستر بی عشقم می نشینی. ازآنچه هراسانم نگاهم می داری تا در رؤیای شیرین خویش، خواب خوش ترك شیرینی فروشی راببینم که خرمای عشق می فروشد. در سکوت دل گیر شب جاده های تاریک مسیر دست های پنهانت رامی بینم که دستم را گرفته اند وهدایتم می کنند. الهی! «فی اعَیْنُ اِلناس فَعظّمْنی و فی نَفْسی فَذَلِّلنی»((۷))

آن قدر بزرگی ومهرت آن چنان وجودم را در برگرفته است که هر روز عزیزترم می داری و چهره ام را بهاری جلوه می دهی.

حسین (علیه السلام) آن گاه که ازمولا سؤال می کند، عشق های کهنه مکتوم خویش را رخصت سرباز کردن می دهد وبه دنبال دریافت شعله های زیبای نور ولایت مولا، بال و پرباز می کند وفریاد بر می آورد: «اِلهی اِلی مَنْ تَكِلْنی؟ الی قَریب فَیقْطِعنی، اَمْ الی بَعید فَیتَجّهُمنی»((۸)) مرابه که وا می گذاری، به آشنایان بیگانه یا بیگانگان آشنا؟ «اشكوالیك غُربَتی وبُعُد داری» و بعد باعشقی به صمیمت باران زمزمه می کند: «الهی أنا الذّی اخلقت، انا الذی نکثت، انا الذی اقررت...((۹))»

۱- اسد الله، بقائی ، کربلایی که من دیده ام.

۲- مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

۶- همان.

۷- همان.

۸- همان.

۹- همان.

من آنی نیستم که بودم، اما تو همانی که بودی. «انت الـذی غفرت انت الـذی سترت... لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من الظالمین، لااله الا انت، سبحانک انی کنت من الوجلین، لا الا اله انت، سبحانک انی کنت من الخائفین...» تو منزهی و پاک ومن خواهان ورود به خلوت عاشقی تو ; مرا بپذیر که ازقهر زیبای تو ترسانم و از سطوت بی انتهای تو سخت بیمناک...

این مناجات های عارفانه حسین (علیه السلام)، مملو از عمق شناخت معشوق است. و مگر جز این است که مقام خلیفه الهی که معشوق به او عطا نموده سزاوار گوهری چون اوست وهمین عبودیت الهی ای است که او را به این رتبت رسانیده است. من هر وقت اشکواره مولا صاحب الزمان (عج) رامی خوانم باکلام «السلام علی الشفاه الذابلات»((۱)) او بی دل می شوم و به پویه کردن در مفاهیم بلند دعای عرفه مولا وادار می گردم.

صحرای بی انتهای عرفه سجاده بی دل کوی معشوق است ومن رسوای خرابه نشین وآرزومند استماع دعای زیبای عرفه آن عاشق مدهوش. او آن چنان زیبا معبود را فرا خوانده است که هیچ مرد بیدار دلی مناجاتی بلند مفهوم تر از دعای عرفه به یاد ندارد. مفاهیم بلند نیایش مولا اباعبدالله (علیه السلام)، مفهوم بیست و پنج سال خلوت و انزوای علی است ومن اکنون که دست بردعا در سرزمین زیبای این دعا، پویه می کنم، حسرت می برم که چرا تاکنون راز خلوت علی (علیه السلام) را از دل نیایش های بی ریای فرزندش نیافته ام.

او همه را واگویه کرده است. ازتمام موهبت های یکتای بی همتا سخن رانده است. حتی ازبندبند انگشتان فروگذار نکرده ومن مطمئنم که معشوق به وجود عاشقانی چون او فخر می نماید و با او دیگر به چون، منی عاجز، نیاز ندارد. او آن گاه که به مناجات برمی خیزد، در دل عاشقش زمزمه غم هجر می افتد و پیش از آن که کبوتران اشک بر دیواره دیدگانش نشینند لبانش می لرزد و زمزمه ای سوزان بیرون می تراود که((۲)) «الهی و ربّی مَنْ لی غَیْرک».((۳))

حسین، عاشقی تشنه اخلاص است ونیازمند قربان شدن در مسلخ عشق و این است که تشنه وزلال می گردد واین ایثار، مستی ای به عظمت قاف در بر دارد. حسین، بسته عشق است پس خلاص نمی جوید. مناجات های او بیان گر مقام والای انقطاعش است تاباحق باشد وحلاوت محبت معشوق را با زبان زیبای مناجات خویش بچشد وکجا بهتر از صحرای سوزان عرفه است تاپذیرای گسترده شدن خوان بی دریغ مناجات حسین گردد و او را در سوختن یاری دهد.

عرفه، عارفی می خواهد به عظمت محبوب دلِ رسول خدا (صلی الله علیه وآله). وقتی او را می یابد، به یاریش همت می گمارد و با او می سوزد و اگر خوب نگاه کنی می بینی که شن های داغ صحرا با ناله (الحمدالله الذی لم یتخذ ولدا)((۴))ی حسین هم گام اند و در سوختن هم.

حسین(علیه السلام) ، ترنم دعای عرفه رابا لبانی عاشق آغاز می کند که سودای شعله شدن دارند. و همین است که مفاهیم عرفانی عرفه او، دامنه درک ما را صیقلی کرده و عقل کژ اندیش مابه قله آنها صعود نمی کند. او آن گاه که لب به ترنم دعای می گشاید، «به رغم مدعیانی که منع عشق کنند» نغمه داوودی سر می دهد و به نفس مسیحای معبود، تحصیل عشق می

کند. به صفاو عشق او غبطه باید خورد که باتمامی حشمت خویش، به درویشان رخصت عاشقی می دهد وبا «اللّهم اَعتِقْ رَقبَتی مِنَ النّار»((۵)) آنها را از آفاق گردی های عشق آگاه می کنـد. در پهن دشت وسیع عرفه، شکوه او بر ما عیان می گردد و ما را آرزومند سجده سجاده خویش می نماید.

۱- زیارت ناحیه مقدسه.

۲- اسدالله بقایی، کربلایی که من دیده ام.

۳- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۴- دیوان حافظ: به رغم مدعیانی که منع عشق کنند *** جمال چهره توحجت موجه ماست

۵- مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

تجلی عرفان در عاشورا

نماز عارفانه حسین (علیه السلام) چنان متجلی است که عارفان حلیه جمال حق را از لجن زار تملق و دروغ به اوج و رفعت وعظ و تحقیق می کشاند. عرفان حسین (علیه السلام) درعاشورا،زمزمه عشق است وناله ونغمه عاشق بی تاب ودردمند. عاشقی که هرلحظه به یافت محبوب، حالت بسط دارد وشادمان ونغمه خوان است و لحظه ای ازبیم ندیدن جمال او اندوهگین وموپه گر می گردد و این به زیبایی در مناجات های او جلوه گر است. حسین (علیه السلام) از پدر آموخته است که مشتوار سرخ وجود خویش را در لحظه گفت و گو شادتر وتندتر از هرزمان به تپیدن وادار سازد.»((۱))

او زایر گیسوی ابری آسمان می شود، شراره های وجودش را ذره ذره می کَنَد واندیشه وصال معشوق را در ذهنش به رقص در می آورد. رقصی موزون که باآهنگ اشک هایش به لرزش در می آید. حسین ازکوچه های شور و شیدایی گذشته ودر بندگی محض باعشق آسمانی پیوند بسته است. او انتهای عشق را در عاشورا جشن می گیرد. تشنگی اش در عبادت بر جگر چنگ انداخته وخوب می داند که اگر عطش برجگر چنگ بیندازد، دیگر عطش نیست، تفسیر درد درون عاشقی است که ازهجر عشق خویش به معشوق پناه می برد و دردهای بی علاج خویش را به او واگویه می کند. این عشق، لحظه ای نیست که به اتمام رسد.

او باتمام وجود و در زیرباران تیرهای جنایت پیشگان، مولای خویش را فرا می خواند، آن گاه که درشب عاشورابه محراب عبادت می رود تا صبح ممنوع الملاقات می شود. تاصبح در قرنطینه سجاده است. تا صبح تحت مداوای پزشک سرشک است و تا صبح شهپرهای زیبایش در طواف شمع وجود معشوق می سوزد. و خوشا به حال او که این چنین واله است وشیدا. خوشا به حال خاک سجده ای که پیشانی او را لمس می کند. خوشابه حال آسمانی که او در زیر نور آن به عبادت می پردازد.

زمزمه های بلند مفهوم نماز او، تکه های خُرد شده قلب شکسته ای است که از پیوند زدن گذشته است ومی رود تا با پاره های وجود خویش، رقص جنون کند. در زمین عبادت مولا، شهپر پروانه های عرفان می سوزد و طواف های عاشقانه آنها برگرد شمع وجود معشوق، به سماعی عارفانه بدل می گردد. سرمه چشمان تر اقاقی ها، اشک زیبای مردی خدایی است که غبار مقدمش، توتیای چشم مشتاقان اوست و سرمایه دیدگانش برسجاده عشق ، زر می نگارد. عشق از معشوقی سرمی زند که در ظهر عاشورا به عاشق بی دل خود، رخصت جلوه گری داده است.

حسین (علیه السلام) در سجاده عاشورا وجود می فروشد وعاشقی می خرد ومن در پویه کردن های خویش، خَرمن سوخته ای را می بینم که در گودی قتلگاه نوای «هوهو» سرداده است. او وجود خویش رامأمن مولای خود نموده، مصفا ومفروش. کلمات خالص مناجات را به یاری گرفته و درحال جاروی مهد عهد الهی است. خوب می داند که پاسخ «بلی» او به (الست بربکم) پاسخی است برتعجیل شیطان که مولا به او فرمود: «چندی درنگ کن تا گل آدم با دل عشق بپیوندد و آدم به پرواز درآید، آن گاه این باز شکاری، اول صیدی که خواهد کرد تو هستی...((۲)) وامروز در بازی گوی و چوگان عشق، اوست که گوی مناجات را از همگان ربوده وابلیس را خانه نشین کرده است. عشق الهی او، همگان را محو ساخته و او می رود تا در

افقی به پرواز در آیـد که تجلی گاه سـیمرغ قاف است وتنها پرسوختگان رامی پـذیرد. حسـین قیمت سوختن را خوب می داند وخریدار را به زیبایی شناخته است.

این است که نیزه ها هم از هیبت این فریاد، به سـماع دست یازیده اند. وجد و پای کوبی حسـین در سـجاده عشق ظهر عاشورا، قلـب هـا را ویران کرده وچراغ هـای دل را بی قرار سـاخته اسـت. به قـول یـک فرنگی: «چه نمـاز شـکوفایی خوانـد حسـین بن علی(علیهما السلام)! نمازی که دنیا نظیر آن را سراغ ندارد. نمازی که در باران نیز خوانده می شود ولی

۱- اسدالله بقایی، کربلایی که من دیده ام.

۲- رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار، تفسیرآیه ۳۰ سوره بقره.

او ویارانش غرق در حالت خویشند. حسین شام عاشورا را برای خودنگاه داشت. استغفار، دعا، مناجات را زد، نیاز... می بینی که درظهر عاشورا، در جنبه های توحید، عبودیت، ربوبیت وعرفان، مطلب چقدر او ج می گیرد.»((۱)) درصحرای عرفان او، عشق باریده است وپای عاشق راستینش در عشق، فرو می رود; چنانچه که در برف.

این زمین، مدت مدیدی است که رنگ عشق به خود ندیده وآن را فراموش کرده است، اما در لحظه رکوع حسین، مست می گردد و مدهوش وناخودآگاه، فریاد برمی آورد: «السَّلام عَلَیك حَینَ تَرکَع...» وآیا این عشق بازی وسوخته دلی عاشق، جز درکربلاـ شرم سرخ عاشقان رابه خود دیده است؟ و آیا این عرفان، خالص تر وناب تر از کربلا در جایی دیگر به کرامت محض، رسیده است.

این شرح های عاشقی درعرفان اسلامی، برتر ازمناجات صد چون خواجه عبدالله انصاری است وبی قرارتر از صد چون مجنون نظامی. اگر مولوی داد «بشنو از نی» سرمی دهد، فریاد بلند کلام عشق حسین، ازحنجره خونی سه ساله ای بیرون می جهد که دست آموز او بوده است و باسیلی عشق، صورت، سرخ کرده است. می بینی که بازهم حسین عاشق، فریاد «نیِ مولانا» را در نطفه خفه می کند وبه او رخصت برآمدن نمی دهد. فریاد «اناالحق» منصور هم درمقابل عرفان مجسم کربلا، رنگ می بازد ومن مطمئنم که منصور باهمه ادعاهای صحیح ومحکم خود به این دانگ بهشتی که درکربلا افتاده است، هیچ توجهی نکرده است.

حسین (علیه السلام) نه برسنگ، حکاکی نموده ونه برخاك هجی، خون عرفان اوست که تا امروز در همه جا می جوشد و همگان را محو عشقش می سازد. او آن گاه که سربر سجده می گذارد و«بِسمِ الله وَ بِاللّهِ وَ عَلی مِلَّهِ رسُولِ الله» را بیان می کند، عشق می پراکند و همین بوی عشق حنجره خدایی اوست که امروز پس از هزار و چهارصد سال به مشام می رسد ودیگران را مست نماز او می کند. درآن لحظه فقط حسین است وخدای خودش وگویی چیز دیگری درکار نیست.

وقتی هم که آماج تیرها قرار می گیرد وبابدنی شرحه شرحه بر زمین می غلتد، آوای «رِضاً بِقضائِك وَتَسلیماً لاَمْرِك، لا مَعَبُودَ سِواكَ یاغیاثَ الْمُستَغیثین»;((۲)) سرمی دهد واین است که پس از سال ها فرزندش، صادق آل محمد(علیهم السلام)می گوید: مصداق آیه آخر سوره فجر، جدم اباعبدالله است. حسین (علیه السلام)در شب عاشورا نیز در عرفان محض غرق می گردد وآن رابرای معاشقه بایار خویش نگاه می دارد.

مرا چه جای گفتن که پاك باختگی او در راه معشوق و ماسوای خدا را به هیچ انگاشتن، درهمان دوجمله مولا در اولین خطبه ای که در مکه ایراد کرد، متجلی است. آن گاه که می فرماید: «رضی الله رضانا اهل البیت; هر راهی راکه خدامعین فرموده مانیز می پسندیم.»((۳))

این از خود بریدن وبه معشوق پیوستن، درهیچ محیطی، جز مجلس انس کربلا مجسم نیست.

کلام آخر

در گلگشت مختصری که به یاری مولا در دیارعرفه وعرفان کربلای او زدیم، آقا چون مرغی دلاویزهمایم گشت وتوان دست به قلم بردنم بخشید.

گوشه چشمی به من انداخت تاشهامت شکوفا ساختن غنچه دو رکعت عشق عاشورا را بیابم وطرحی ریخت تا چون دری یتیم ببارم و در آرزوی موهبت اعتمادی عاشقانه وکودکانه به صحرای کرامت محض او پویه کنم. امید آن که

۱- مرتضی مطهری، حماسه حسینی ،ج۱ ،ص۵۲.

۲- بحارالانوار، ج ۴۵ - ۵۳.

۳- همان، ج ۴۴ – ص ۳۶۷.

شکوه های شرجی مرابه آه زیبای دردانه سه ساله اش پیوند زند و درحسرت عاشقی نمانم و با آرزوی این که عزت دستان به خاک نشسته اباالفضل یاریم کند تا بار دیگر شرحی برتقدس نگاه مولا بنهم ونوری ازسجاده عشق او برقلب گناه کارم بتابد.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. مفاتیح الجنان – دعای عرفه.

۳. شجاعی، سید مهدی – پدر عشق و پسر.

۴. مطهری، مرتضی – حماسه حسینی، ج۱.

۵. بقایی نائینی، اسدالله – کربلایی که من دیده ام.

۶. آوینی، سید مرتضی – گنجینه آسمانی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹